



# عصر

روزنامه تجاری اقتصادی  
یکشنبه  
۱۸ آذر ۱۴۰۳ • ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • 8 December 2024  
۸ صفحه • پنج‌هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و هشتاد و دو  
www.asrghanoon.ir

# دوراهی‌بی ظریف

**نامه مجتبی ذوالنوری به ظریف: بدون هرگونه تعلل از سمت غیرقانونی خود کناره‌گیری کنید، شاید رئیس‌جمهور در تعارف و رودربایستی با شما گیر کرده باشد!**

مجتبی ذوالنوری، نماینده قم در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور، با تأکید بر لزوم توجه به قانون انتصاب اشخاص در مشاغل حساس، به ظریف توصیه کرد برای عمل به این قانون، بدون هرگونه تعلل و تأخیر، از این سمت غیرقانونی استعفا و کناره‌گیری کند.  
محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس نیز اخیراً گفته بود ظریف با ظرافت از دولت خارج شود.  
ظریف که به دلیل تابعیت آمریکایی فرزندانش طبق قانون اجازه تصدی مشاغل حساس را ندارد در دولت چهاردم مسئولیت گرفت.

## درباره سوریه



اگر قصه حرکت تحریر الشام به ضرر ایران و نفع اسرائیل باشد که هست، حتماً ایران و کل جبهه مقاومت این نقطه مهم از جبهه را رها نمی‌کند. چون راهبرد هویتی مقاومت همین تقابل اراده‌هاست.

۲

## آیا بازی بزرگ در خاورمیانه تکرار می‌شود؟



با تحلیل تاریخی می‌توان مشابهت‌های زیادی میان حوادث سال‌های اخیر در خاورمیانه و نیمه دوم قرن ۱۹ پیدا کرد. به خصوص رویدادهای منطقه پس از ۷ اکتبر، حوادث زنجیرواری را نشان می‌دهد که گویی از سوی یک قدرت مداخله‌گر خارجی طراحی و توسط نیروها و کشورهای نیابتی‌اش دنبال می‌شود.

۲

## جنگ وجودی‌ای که جبهه حق جدی‌اش نمی‌گیرد!



تحریر الشام به حسب ظاهر رویکرد و اهداف و روشی غیر داعش از خود نشان می‌دهد. خود را سوری جلوه می‌دهد که هدفش ساقط کردن بشار اسد است!

۲

## ترجمه نادرست مفاهیم، آسیب‌زا است



برای پیشرفت و توسعه در حکمرانی اسلامی - ایرانی، باید به بازنگری در مبانی معرفتی و فلسفی خود بپردازیم و از اشتباهات راهبردی همچون ترجمه نادرست مفاهیم کلیدی پرهیز کنیم.

۳

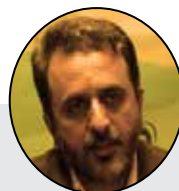
## معاصر سازی؛ اصول، ارزش‌ها و الگوهای دینی



در نظام تربیتی نهاد حکومت، نهادین، نهاد فرهنگ، نهاد خانواده، نهاد مدنی و اقتصادی و نهاد رسانه عامل اساسی هستند که امروزه باید نهاد رسانه بسیار مورد توجه قرار گیرد چرا که رسانه‌ها زمینه بی‌اعتمادی نسبت به باورهای دینی را ایجاد کرده‌اند.

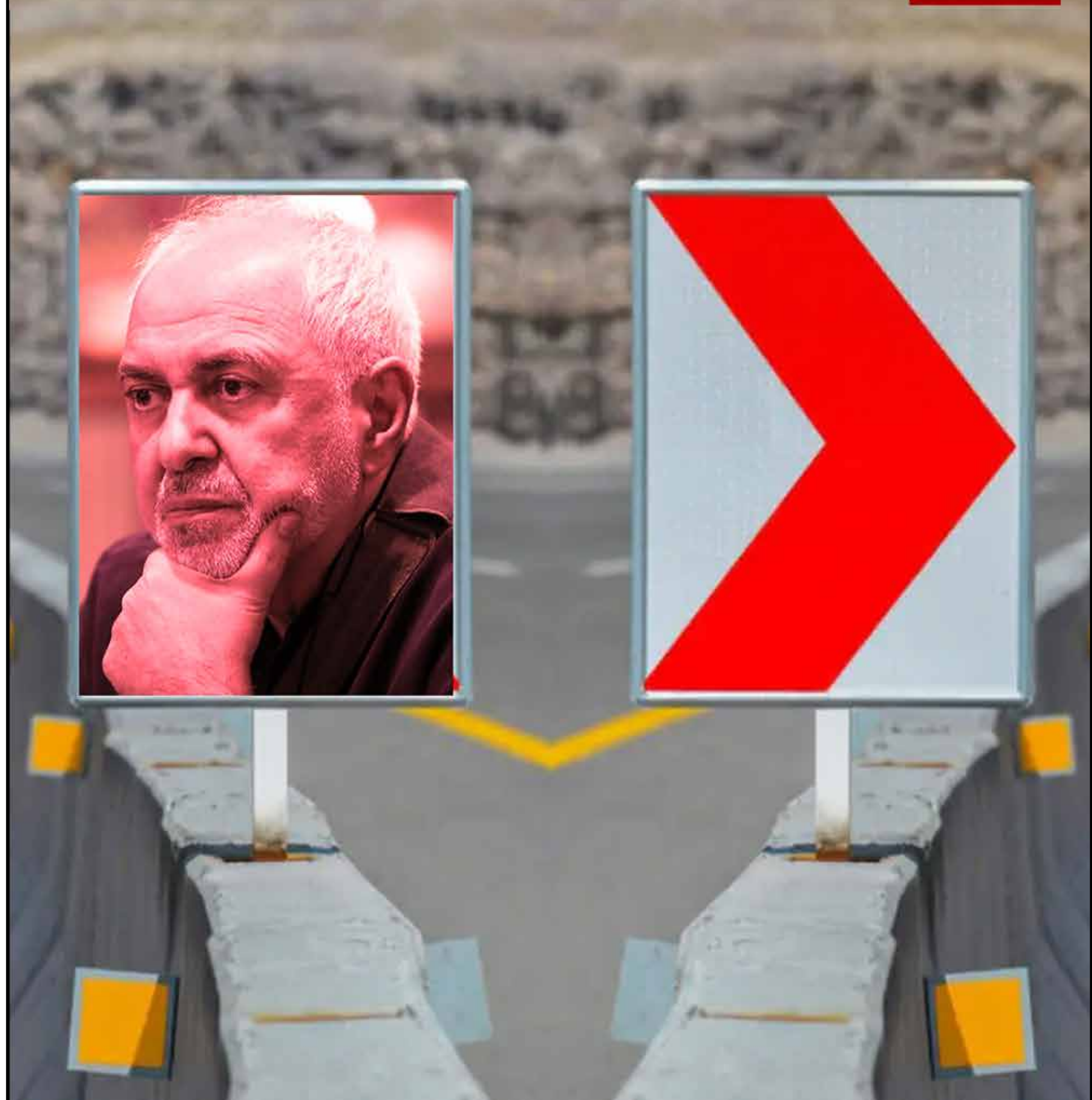
۳

## گذار به عصر جدید فضای مجازی



توسعه خدمات پلتفرم‌های ایرانی به کشورهای همسایه، برگزاری رویدادهای فناوری با کشورهای عضو بریکس می‌تواند از اقدامات راهبردی در این عرصه باشد و جایگاه برتر ایران را در مناسبات آینده فضای مجازی در دنیا تثبیت کند.

۷



## آیا بازی بزرگ در خاورمیانه تکرار می شود؟

لسید محمد حسینی



تازه وارد در قرن ۱۹ برای بریتانیا حائز اهمیت حیاتی است.

۶) حمایت امریکا و اروپا از اوکراین در جنگ با روسیه، منطق تحلیلی مشابه ای با حمایت انگلیس و فرانسه از عثمانی در جنگ کریمه را دارد.

۷) عثمانی پس از جنگ کریمه، شکننده و ضعیف شد، چنانچه سوریه نیز پس از جنگ سوریه به آوردگاه قدرت های جهانی و منطقه ای تبدیل شده و به شدت ضعیف و در مسیر دولت فرومانده (failed State) قرار گرفته است.

۸) بریتانیا متغیری «شتاب دهنده» در فروپاشی عثمانی محسوب می شد و پس از فروپاشی عثمانی، نقشه جدیدی برای خاورمیانه ترسیم کرد، چنانچه اکنون نیز در بیانات مقامات امریکایی و صهیونیستی شاهد هستیم، نقشه راه امریکا و اسرائیل در منطقه نیز ترسیم «خاورمیانه جدید» است.

۹) در خاورمیانه قرن ۱۹ برخی از رهبران محلی مانند شریف حسین عملاً به مهره ای برای انگلستان تبدیل شدند چنانچه امروز نیز برخی از رهبران کشورهای عربی از جمله عبدالله پادشاه اردن که (حامل ژن جدش شریف حسین است) عالمأ و عامداً، مجری سیاست های امریکا در منطقه است.

۱۰) بازی بزرگ بریتانیان در قرن ۱۹ به کاشت باد و درو طوفان از سال ۱۹۴۸ تاکنون منجر شده است؛ چنانچه بازی بزرگ امریکا در منطقه (در صورت به نتیجه رسیدن) منشأ تعارضات گوناگون در آینده خواهد شد.

«بازی بزرگ» خود را آغاز کند؛ بازی بزرگی که به فروپاشی امپراطوری عثمانی، ظهور رژیم صهیونیستی، تولد کشورهای ترکیه، سوریه، اردن، عراق و لبنان و در دهه ۱۹۷۰ به تولد کشورهای شیخ نشین خلیج فارس یعنی عمان، امارات، قطر و بحرین منجر شد.

با تحلیل تاریخی می توان مشابهت های زیادی میان حوادث سال های اخیر در خاورمیانه و نیمه دوم قرن ۱۹ پیدا کرد. به خصوص رویدادهای منطقه پس از ۷ اکتبر، حوادث زنجیرواری را نشان می دهد که گویی از سوی یک قدرت مداخله گر خارجی طراحی و توسط نیروها و کشورهای نیابتی اش دنبال می شود. اتفاقاً راهبرد بریتانیای قرن ۱۹ نیز استفاده از نیروهای نیابتی بود، چنانچه فرامکین یادآوری می کند؛ بریتانیای قرن ۱۹ برخلاف سایر قدرت های استعماری نظیر روسیه و فرانسه؛ راهبرد عدم مداخله مستقیم و استفاده از همپیمانان منطقه ای را برای پیشبرد سیاست های استعماری لندن دنبال می کرد.

اکنون بازی بزرگ امریکا در قرن بیست و یک دارای شباهتهایی با بازی بزرگ بریتانیا در قرن ۱۹ است:

۱) نظم حاکم در نظام بین الملل در نیمه دوم قرن ۱۹ متزلزل شده بود و با ورود آلمان به باشگاه بزرگ قدرت های بزرگ، گذار از نظم کهن به نظم جدید آغاز شد. چنانچه اکنون در آغاز قرن ۲۱ نیز گذار از نظم قدیم به نظم جدید آغاز شده است.

۲) امریکای قرن ۲۱ نیز مانند بریتانیای قرن ۱۹ خواستار شکل دادن به نظم جدید در قالب بازی بزرگ است.

۳) الگوی مداخله و مهندسی هر دو کشور؛ موازنه از دور (offshore-balancing) و حتی المقذور عدم مداخله مستقیم است.

۴) سیاست های خاورمیانه ای بریتانیای آن روز با هدف حفظ هندوستان و سیاست های خاورمیانه ای امروز امریکا با ملاحظه حفظ، بقاء و تقویت اسرائیل به عنوان مهمترین متحد امریکا تنظیم می شود.

۵) کنترل و مهار روسیه و چین تازه وارد به قدرت های جهانی در قرن ۲۱ برای امریکا، شبیه به کنترل و مهار روسیه و آلمان

«دیوید فرامکین» در کتاب مشهور «صلحی که همه صلح ها را بر باد داد» که در سال ۱۹۸۹ چاپ و برنده جایزه «پولیتزر» شد؛ از نقشه راه دولت بریتانیا برای خاورمیانه در نیمه دوم قرن نوزدهم؛ با عنوان «بازی بزرگ» یاد می کند. بریتانیا در طول قرن نوزدهم؛ روسیه را مهمترین رقیب جهانی خود در تصاحب سرزمین های استعماری می دید و سیاست های جهانی خود بویژه در خاورمیانه را بر اساس کنترل و مهار امپراطوری روسیه تنظیم می کرد. تا پیش از کشف نفت و تغییر سوخت کشتی ها از زغال سنگ به نفت در انگلستان؛ هندوستان برای حاکمان بریتانیا، سرزمین دوم محسوب می شد و در ذهن حاکمان بریتانیا، همه کشورهای خاورمیانه از جمله عثمانی؛ سرزمین های «ضربه گیر و حائل» برای هندوستان محسوب می شدند. هراس بریتانیا از امپراطوری روسیه بی دلیل هم نبود چرا که طمع تزار روسیه به سرزمین های بالکان و آب های گرم در جنوب روسیه بر همگان روشن بود.

جنگ های ایران و روسیه در نیمه اول قرن ۱۹ و حمله روسیه به بالکان در سال ۱۸۵۳ (جنگ کریمه) نشان از توسعه طلبی ارضی روسیه برای گسترش سرزمین های استعماری تزار داشت. پس از حمله روسیه به عثمانی برای تصاحب بالکان که به «جنگ کریمه» مشهور شد؛ انگلستان و فرانسه به کمک عثمانی آمدند تا روسیه در جنگ کریمه از عثمانی شکست بخورد. عثمانی حسب ظاهر پیروز جنگ کریمه شد اما امپراطوری عثمانی پس از جنگ، دیگر عثمانی سابق نشد.

پس از جنگ کریمه، دست سلطان عثمانی زیر ساطور انگلیسی ها و فرانسوی ها قرار گرفت. عثمانی ها مجبور شدند برای بقاء و احیاء قدرت از دست رفته خود، دست به «اصلاحات سیاسی و اجتماعی» بزنند که از قضا همان اصلاحات به مثابه شوکی بزرگ؛ پیکره فروتوت عثمانی را به تناقضات و ضعف بیشتری دچار کرد.

با اتحاد امیرنشین های آلمانی در سال ۱۸۷۱، و تشکیل کشور آلمان، رقیبی تازه نفس برای بریتانیا ظهور کرد که از قضا رقیب جدید نیز به بازی استعمارگران قرن ۱۹ وارد شد تا از دیگر قدرت های امپراطوری عقب نماند. عثمانی ها که غرور خود را در دو لبه فشارهای انگلیس و فرانسه، له شده می دیدند و هنوز از روسیه احساس خطر می کردند؛ برای رهایی از رقبای قدیمی به اتحاد با آلمان رو آوردند. این انتخاب سبب شد تا انگلستان



## درباره سوریه

علی مهدیان

قبل از این هم بارها نسبت به یک «کلان روایت» خطرناک در بین متدینین و انقلابیون تذکر داده بودم، در ماجرای سوریه قبل از هر تحلیلی درباره اوضاع سوریه، نسبت این کلان روایت با این ماجرا برای من جالب است.

خروجی تحلیلهایش ایجاد ترس است. لذا این یک نوع روایت مرجفون است. ابزارش بی اعتمادی به تصمیم گیران و تدبیرکنندگان. این کلان روایت دو قطبی ساز و دو قطبی زی است، یا صراحتاً یا لوازم سخنشان آن است که مسوولین دشمن و روبروی جبهه مقاومتند.

در ماجرای تحلیل سوریه اما یک جلوه دیگر این کلان روایت بیشتر خود را نشان داد و آن ایستادن روی مشابهاهت و مجهولات است. داستان سرایی بدون استدلال و اطلاعات فقط بر اساس همان احساس بی اعتمادی و ترس.

در مساله سوریه اما چند نکته روشن داریم ما بقی ماجرا هم نمیدانیم، بی اطلاعاتیم، طبیعی هم هست که اطلاعات صحنه جنگ همه اش آشکار نشود.

اگر قصه حرکت تحریر الشام به ضرر ایران و نفع اسرائیل باشد که هست، حتماً ایران و کل جبهه مقاومت این نقطه مهم از جبهه را رها نمی کند. چون راهبرد هویتی مقاومت همین تقابل اراده ها است.

مدل جنگیدن و درگیری همه جا به یک روش نیست. اگر تحریرالشام، توانسته باشد پشتیبانی مردمی برای خود ایجاد کند، ایران طوری عمل نمیکند که گویا مقابل مردم ایستاده. اگر تحریر الشام توسط برخی از کشورهای منطقه حمایت میشود، ایران به گونه ای درگیر میشود که مقابل کشورهای منطقه قرار نگیرد، اگر تحریر الشام در بخشی از بدنه مقاومت با حسن ظن مواجه است، ایران تلاش میکند شکاف در جبهه مقاومت شکل نگیرد، دقت کنیم اسرائیل از نفس افتاده و محتاج درگیری و شکن و اختلافات منطقه ای است، ایران طوری درگیر نمیشود که نفس به اسرائیل بدهد.

اینجا به معنای عدم روبرو شدن با اراده دشمن نیست بلکه سبک و سیاق روبرو شدن متفاوت است، لزوماً قیافه ای که من و شما در ذهن داریم از تقابل، نخواهد بود. این رابزنی های فشرده منطقه ای عراقچی را مثلاً بخشی از پازل ببینید و روی این رفتارها فکر کنید.

کلا توجه کنیم که آن فهم فانتزی از جنگ و پیروزی های بی در پی را باید کنار گذاشت، جنگ است، درش دشمن همه توانایی خود را به کار میرسد خصوصاً وقتی کار به استخوانش میرسد، اصل پیچیدگی جنگ و هجوم همه جانبه دشمن، خودش نشان از میزان ضربه ای است که دشمن به لحاظ راهبردی در منطقه خورده و میزان قدرتی است که جبهه شما دارد.

خلاصه اگر از یک سوی مراقب گفتمان و جریان عقب نشینی هویتی و راهبردی یا غیرتاکتیکی هستیم و بر ملا و نفیش میکنیم، از سوی دیگر هر عقب نشینی را عقب نشینی راهبردی ندانیم، بسیاری مواقع عقب نشینی ها تاکتیکی است. در تحلیلهایمان باید مراقب کلان روایت جریان مرجفون در دل انقلابیون باشیم. اینها هزار بار دیگر هم رهبری اطمینان خاطر دهد درباره پیروزی گام به گام مقاومت، نمیشوند، هزار بار دیگر هم رهبری بگوید تصمیمات ما به هنگام و بدون تاخیر و تعلل است، نمیشوند، هزار بار دیگر هم رهبری از چشمهای ظاهر بین در تحلیل وقایع بنالد، جدی نمیگیرند، هزار بار دیگر هم رهبری از منطقی بودن تصمیمات و مبتنی بر قوانین پذیرفته بین المللی بودن و غیره بگوید نمیپذیرند، چرا؟ چون اصلاً اصول کلان روایتشان خراب میشود، روش ایران مقاومت همراه با انعطاف است یعنی در هر شرایطی با توجه به همه امکانات و شرایط، موثرترین ضربه را وارد میکند

## جنگ وجودی ای که جبهه حق جدی اش نمی گیرد!

محسن قنبریان



که هدفش ساقط کردن بشار اسد است! (لقب الجولانی را از جولان سوریه گرفته). به تصریح، دشمنی با اسد، حزب الله و داعش در برنامه داشته است. سابقه درگیری با داعش هم دارد؛ اما دیگر با پایان داعش دو هدف دیگر مانده است؛ بعد از اسد نوبت حزب الله است! اسرائیل هم متقابلاً در اقدامی گذرگاه های لبنان - سوریه را بمباران کرده تا حزب الله نتواند علیه اینها ورود فوری کند!

سابقه الجولانی نشان می دهد جابجایی های او از داعش به القاعده، از النصره به تحریر الشام، ووجه متغیر و ثابتی دارد. پس از آزادی از زندان بوکای آمریکایی ها احتمال سرمایه گذاری دراز مدت بر سر او وجود دارد. جایزه

۱۰ میلیون دلاری برای دستگیری او در این احتمال بیشتر برای برجسته سازی اوست که امروز نتایجش را می بینیم! او دیگر عدم تعرض به امریکا و غرب را ضمانت داده و سابقه درگیری با اسرائیل هم ندارد؛ اما پس از اسد، حزب الله و گروه های همسو اهداف او هستند! بدین گونه جنگ وجودی ای - که برخی از طرح نگرانی هایش در جانب جبهه حق بیزارند - به مرحله جدیدی رسیده است:

۱. اینبار خروج اسلام گرایان سلفی و بعضاً تکفیری، با مرحله داعش علیرغم شباهتهایی در بنیان، تفاوت هایی دارد. مقابله به شکل داعش با آنها هم - بعد از آستانه و ژنو - محذورات بین المللی خاص خود را دارد!...

۲. کانون توجه مقاومت، فلسطین و غزه است؛ اما خود مبارزان فلسطینی مثل بار قبل با معلوم نیست اقدام علیه این اسلام گرایان مسلح را حمایت کنند!

۳. تغییرات و اصلاحات لازم در سوریه طبق مذاکرات آستانه انجام نشده است. از این رو حمایت از اسد با سختی بیشتری در

بین الملل و منطقه اسلامی مواجه است؛ اما رفتن او و افتادن سوریه دست تحریرالشام هم تهدید جدی برای حزب الله و خط مقدم مقاومت است ...

۴. جبهه مقابله با داعش - حتی به احتمال زیاد مرجعیت اعلای عراق - هم در مقابله با اینها درون مرزهای سوریه، وحدت نظر ندارند؛ که صدایش در عراق شنیده می شود!

۵. بنیادی تر اینکه بیستندیم یا نپسندیم، "نزاع اسلام ها" جدی تر از کارهای شعاری با وحدت و تقرب، دارد جلو می آید! هرچه هم از آنچه در ادبیات انقلاب اسلامی، نزاع اسلام سفیانی - اسلام محمدی نامیده شده فرار کنیم، او سراغ ما را می گیرد! سخت ترین راهبرد، طراحی درست و دقیقی است که در جبهه واحد امت اسلامی علیه صهیونیسم و استکبار چگونه این اسلام رو به انزوا و شکست گذارد؟ و جایگاه خود را در بین مسلمین (غیر شیعی) از دست دهد! در وضعیت های جاری کشور سیاسیون عمل گرا، اسلام های سکولار را برای تعامل بهتر می دانند و آرمانگرایان، اسلام های سیاسی (که این سویه ها را لابرد در خود دارند)!

## ترجمه نادرست مفاهیم، آسیب زاست

همایش الگوی حکمرانی اسلامی- ایرانی پیشرفت با بهره‌گیری از تحول علوم انسانی، اجتماعی و هنر در فرهنگستان علوم برگزار شد. این نشست با حضور اندیشمندان و صاحب‌نظران برگزار شد و مباحثی پیرامون مفهوم علم، فلسفه علوم انسانی، و جایگاه آن در حکمرانی اسلامی- ایرانی مطرح شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسا، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در این نشست با اشاره به تنوع طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام و تفاوت آن با جهان مدرن، اظهار داشت: ما در جهان اسلام با طبقه‌بندی‌های متنوعی از علوم روبه‌رو هستیم که این تفاوت‌ها صرفاً ذوقی نیستند، بلکه بر مبنای عمیق و بنیادینی استوارند. در جهان مدرن نیز طبقه‌بندی علوم تحت تأثیر مبنای و نسبت‌های خاصی قرار دارد که حاصل شرایط فرهنگی و فلسفی حاکم بر آن است.

وی افزود: امروزه واژه علم (Science) به معنای خاصی به کار می‌رود و مفاهیم دیگری مانند knowledge در کنار آن مطرح می‌شود. این در حالی است که معنای علم از نیمه دوم قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم تغییرات گسترده‌ای داشته که ناشی از تحولاتی است که در چارچوب فکری غرب رخ داده است.

پارسا با اشاره به رویکرد مدرن به علوم انسانی گفت: در ادبیات مدرن، استفاده از اصطلاح علوم انسانی (Humanities) کمتر رایج است و بیشتر از علوم اجتماعی سخن گفته می‌شود. در این رویکرد، علوم اجتماعی در برابر علوم طبیعی قرار می‌گیرد و هر دو زیرمجموعه Science محسوب می‌شوند. ترجمه واژه Humanities به علوم انسانی در زبان فارسی، یک خطای راهبردی بوده که درک ما را از این مفهوم دچار انحراف کرده است.

وی با مرور تاریخی تحول علم در غرب، دیدگاه‌های فیلسوفانی چون دکارت، کانت و آگوست کنت را بررسی کرد و افزود: در فلسفه دکارت، عقل به‌عنوان یک حقیقت جوهری در نظر گرفته



درونی و ساخته ذهن انسان‌ها می‌پردازد. علوم انسانی بر ساخته انسان‌ها و ابزار زندگی آن‌ها است و روش آن، بیشتر تفسیری است تا تبیینی.

وی با توضیح روش‌های معرفتی در علوم انسانی افزود: در جهان اسلام، عقل به‌عنوان فیض الهی و سرچشمه معرفت شناخته می‌شود. علوم انسانی به معنای مدرن آن، بخشی از علوم اسلامی به شمار نمی‌آید. مفاهیمی مانند فلسفه، الهیات، فقه و حقوق در چارچوب معرفت اسلامی جای می‌گیرند و تمامی آن‌ها دارای مبنای عقلانی و تبیینی هستند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان تأکید کرد: برای پیشرفت و توسعه در حکمرانی اسلامی- ایرانی، باید به بازنگری در مبنای معرفتی و فلسفی خود بپردازیم و از اشتباهات راهبردی همچون ترجمه نادرست مفاهیم کلیدی پرهیز کنیم. این بازنگری می‌تواند پایه‌ای برای تقویت هویت معرفتی و حرکت به سوی پیشرفت در چارچوب حکمرانی اسلامی باشد.

ذهنی دانست و آن‌ها را از حوزه علم خارج کرد. او معتقد بود آنچه قابل مشاهده و آزمون‌پذیر نباشد، فلسفه است، نه علم. این تعریف، نقطه عطفی در تاریخ علم مدرن بود که تناقض‌ها و محدودیت‌های متعددی را به دنبال داشت.

وی افزود: در سنت اسلامی، عقل جایگاهی رفیع دارد و به‌عنوان اولین مخلوق خداوند معرفی شده است. در این دیدگاه، علم شامل دانش‌های آزمون‌پذیر، عقلی تجربی و نقلی است و تمامی این دانش‌ها، اعم از فلسفه، فقه و حقوق، بخشی از علم به شمار می‌روند. برخلاف دیدگاه‌های مدرن، در جهان‌بینی اسلامی، ارزش و دانش از یکدیگر جدا نیستند و همه حوزه‌های معرفتی در یک کل منسجم به هم پیوند می‌خورند.

پارسا همچنین به دیدگاه «ماکس وبر» درباره دانش و ارزش اشاره کرد و گفت: وبر معتقد بود علم حق ندارد درباره بایدها و نبایدها اظهار نظر کند. او میان علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوت قائل شد و تأکید کرد که موضوع علوم طبیعی، مشاهده‌پذیر و بیرونی است، در حالی که علوم انسانی به بررسی موضوعات

## معاصر سازی؛ اصول، ارزش‌ها و الگوهای دینی

محمد بنیانیان سفید\_فاطمه ریحانی



از فرزندان پس از مقاطع تحصیلی کارشناسی هم توان پذیرفت مسئولیت را ندارند.

مدیر حوزه علمیه زهرا اطهر با تأکید بر اهمیت تربیت در ۷ ساله ابتدای زندگی فرزندان بیان داشت: اگر مادران بتوانند ۷ سال اولیه تربیت کودک را مدیریت کنند می‌توانند زبان هماهنگ‌شدن با فرزند را دریابند و شناخت مادر از فرزند بیشتر از برطرف کردن نیازهای مالی فرزند می‌شود و اگر این سنوات طلایی مادر و فرزند با هم بگذرد تعلق خاطر ایجاد و استقلال و اقیان عاطفی و عزت‌نفس برای فرزند ایجاد می‌شود و این فرزند در جامعه گم نمی‌شود و مادر و فرزند بحران بلوغ نخواهد داشت.

وی تصریح کرد: اشتباه شناختی و راهبردی که در نحوه تربیت ما وجود دارد می‌تواند با درست‌الگو گرفتن از شخصیت حضرت زهرا (س) رفع شود.

و سیاسی و ساده‌زیستی و عدم تجمل‌وی در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و سبک زندگی وی در ساحت تربیت علمی و فناوری و هنر درونی و بیرونی وی در مدیریت اجتماع و خانه در ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری می‌تواند الگو قرار گیرد.

وی خاطر نشان کرد: در نظام تربیتی نهاد حکومت، نهادین، نهاد فرهنگ، نهاد خانواده، نهاد مدنی و اقتصادی و نهاد رسانه عامل اساسی هستند که امروزه باید نهاد رسانه بسیار مورد توجه قرار گیرد چرا که رسانه‌ها زمینه بی‌اعتمادی نسبت به باورهای دینی را ایجاد کرده‌اند.

## ■ قصور در معرفی حضرت زهرا (س) به نسل امروز

دکتر فاطمه ریحانی، مدرس دانشگاه و مدیر حوزه علمیه زهرا اطهر اظهار داشت: حضرت فاطمه زهرا (س) در عمر کوتاه خود الگوی شاخص و بی‌نظیر است که اگر فرهنگ اصلی الگو بودن حضرت زهرا (س) برای نسل امروز انجام نشده قصور بوده است.

وی ادامه داد: حضرت زهرا (س) در عمر کوتاه خود شئون شاخصی دارند که در کودکی لقب «ام‌ابیها» می‌گیرد که گرفتن این لقب به جهت بزرگی و سختی کار مادر پدر شدن فقط به واسطه عملکرد ایشان بوده است.

ریحانی با بیان اینکه از این لقب این بانوی بزرگوار می‌توان بزرگ دانستن و مسئولیت دادن به فرزندان را الگو گرفتن اذعان داشت: متأسفانه امروزه مادر تربیت فرزندان نقص در الگوگیری داشته و به واسطه مسئولیت ندادن به فرزندان برخی



## ضرورت توسعه اندیشه‌های مترجم دانش به زبان حکمرانی

حامد سروری

دکتر حامد سروری پژوهشگر ارشد دفتر بررسی‌های راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه با برنامه «در مسیر اندیشه» رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه علم در ایران، بروکراتیک شده است اظهار کرد: متأسفانه در کشور ما اساتید با شاخص تعداد مقاله پرفسور می‌شوند نه با کیفیت مقاله‌هایی که ارائه می‌دهند و مقوله علم و دانش در ایران به کمیات و مسائل بروکراتیک تقلیل پیدا کرده است.

وی افزود: در حال حاضر آمادگی دانشگاه‌های ما برای حل مسائل به‌مراتب کمتر از آمادگی دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته‌دنیاست.

پژوهشگر ارشد دفتر بررسی‌های راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اینکه شاخص تعیین‌کننده‌ی سطح توسعه‌یافتگی ایران در دوران پهلوی کاربرد علوم اجتماعی بوده و امروز شاخص علوم انسانی نیز به آن اضافه شده است گفت: سطح بروکراسی ما به علم نیز تسری پیدا کرده و علم و دانش در کشور ما بروکراتیزه شده است.

سروری اظهار کرد: در کشورهای پیشرو که هم خود دانش علاقه به کاربردی شدن دارد و هم دستگاه‌های دولتی و دولت‌ها علاقه‌مند به کارهای دانشی هستند باز به هم نمی‌رسند؛ چون نیازمند مبدل‌هایی هستند که علم را به زبان حکمرانی و حل مسئله عمومی ترجمه کند.

وی در توضیح بیشتر این مطلب گفت: علم و دانش هر چقدر هم که کاربردی شود؛ اما باز هم نیاز به مبدل و کاتالیزورهایی دارد که علم را به زبان حکمرانی و سیاست‌گذاری و حل مسائل عمومی ترجمه کند که در این زمینه‌ها اندیشه‌ها شکل گرفتند و بعضاً به‌قدری بزرگ شدند که منجر به توسعه دانش شدند. امروز بسیاری از روش‌های رایج در علوم انسانی و علوم اجتماعی و توسعه دانش آینده‌پژوهی و توسعه دانش سیاست‌گذاری تا حدی مرسوم ظهور و بروز همین اندیشه‌های بزرگ است.

پژوهشگر ارشد دفتر بررسی‌های راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام معتقد است که باید این اندیشه‌ها را به‌عنوان نهادهای واسطه و مترجم دانش به زبان حکمرانی و سیاست‌گذاری توسعه دهیم.

سروری با بیان اینکه دانشگاهیان معمولاً این اندیشه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند گفت: اندیشه‌های ما کوچک و نحیف ماندند و توسعه پیدا نکردند و به همین دلیل هم علم و دانش به‌ویژه علوم انسانی کاربرد کمتری در حل مسائل عمومی پیدا کرده است.

در ادامه برنامه، دکتر سعید معید فر جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران در مورد چیستی علوم اجتماعی کاربردی و نقطه تلاقی و تلفیق علوم انسانی با علوم اجتماعی گفت: علوم اجتماعی ریشه اصلی خود را بیشتر در فلسفه‌های عصر روشنگری پیدا می‌کند؛ دورانی که ما شاهد تحولات فکری و اندیشه‌های در میان فلاسفه بودیم و آنها با تغییر جهان‌بینی خود زمینه‌های مداخله اندیشه را در مسائل روزمره و مسائل جهانی به کار بستند.

وی افزود: زمانی که تفکر و اندیشه بشر به‌جای پرداختن به اموری که کمتر با محیط و زندگی بشر ارتباط داشت معطوف به محیط اطراف زندگی ما و این جهان بود اندیشمندان تلاش می‌کردند تا بنیادهای نظری مهمی را با مداخله اندیشه و تفکر خود برای بهبود شرایط زندگی ایجاد کنند.

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: این فلسفه فکری به‌تدریج از علوم مانند زیست‌شناسی و روان‌شناسی به سمت علوم اجتماعی حرکت کرد و بحث زندگی و پدیده‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی و به عبارتی مسائل زندگی روزمره انسان‌ها به‌عنوان موضوع اصلی علوم اجتماعی تعریف شد تا قانون‌مندی‌های زندگی را یافته و به بهبود زندگی انسان‌ها در جوامع مختلف کمک کنیم.

جامعه‌شناس برجسته کشورمان خاطر نشان کرد: علوم اجتماعی از دل فلسفه‌های عصر روشنگری بیرون آمد؛ یعنی زمانی که انسان‌ها تلاش کردند اندیشه را کاملاً به اموری کاربردی و اموری که موجب تغییر و دگرگونی زندگی انسان‌ها می‌شود، برگردانند.

## از صلح حداقلی تا جنگ حداکثری

فخرالدین اسدی



## ضعف جبهه سوریه؛ تاکتیک، تکنیک یا...!؟

حسین کفش دوز محمدآبادی

اگر به فیلم‌های هجوم نیروهای تحریر الشام و سایر مخالفان دولت سوریه دقت کنید استفاده از یک تاکتیک در آنها مشهود است. تاکتیک هجومی معروف و منتسب به مارشال رومل آلمانی مغز متفکر و اعجوبه دنیای زرهی!

در این تاکتیک با انبوهی از تانک بعنوان پیشقراول و بدنبال آنها نفربرها و خودروهای زرهی با شکافتن خط اول و هجوم به پشت خطوط دشمن و تعریض و گسترش خط انجام می‌شود...

تاکتیک کارآمد و مهمی است... همانطور که گفته شد به مارشال رومل نسبت داده می‌شود.

در جنگ تحمیلی بعد از تشکیل اولین یگان زرهی توسط سردار فتح الله جعفری از همین تاکتیک در چند عملیات در کنار سایر تاکتیک‌ها استفاده شد و کاملاً هم موفقیت آمیز بود عراق هم از همین تاکتیک در اواخر جنگ بر علیه ما استفاده کرد...

بسیاری از شما دوستان و عزیزان که خود از بازماندگان نسل دفاع مقدس هستید شاهد بودید که در اوایل روزهای پایان جنگ، عراق با شکافتن خط اول چند ده کیلومتر در پشت خطوط ما پیشروی کرده و هیچ نیروی جلودار آنها نبود.

سرعت، جسارت و اطمینان رزمندگان از پشتیبانی و رسیدن نیروها و تجهیزات عامل اصلی در این تاکتیک است ...

بعد از پایان جنگ و دفاع مقدس و مرور تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها توسط فرماندهان نظامی، گردان جدیدی را به گردان‌های قبلی اضافه کردند ... یکی از این گردان‌ها گردان سوار زرهی بود.

در واقع در ارتش‌های پیشرفته دنیا گردان سوار زرهی یا به پای گردان‌های زرهی با حمل نیروهای پیاده (البته مسلح به سلاح‌های سبکتر و نیمه سنگین) بعد از شکافتن خط اول و نفوذ در عمق در واقع نیروهای پیاده را در پشت خطوط دشمن پیاده تا آنها بتوانند گسترش میدانی انجام دهند.

با ظهور موشک‌های دقیق و نقطه زن ضد زره و تولید انبوه آن در سازمان رزم نیروهای مسلح ظاهراً این امر مهم مورد غفلت قرار گرفت.

در واقع اتخاذ تاکتیک دفاعی مبتنی بر سلاح‌های ضد زره عامل این تفکر بود، وقتی می‌توان یک تانک را با یک موشک منهدم و از میدان بدر کرد تولید تانک چند ده برابری هزینه تولید یک موشک چه توجیهی دارد؟

دقیقاً مشابه همین تفکر بر علیه زرهی و کمربند کردن نقش زرهی بعد از جنگ جهانی دوم اواخر جنگ کره و ویتنام بسط پیدا کرد، وقتی هلیکوپترهای رزمی مثل کبرا موفق وارد میدان ضد زره شدند خیلی از تحلیلگران و متخصصان نظامی اعلام کردند که عمر تانک‌ها به سر آمده چرا که با یک هلیکوپتر می‌توان ده‌ها تانک را منهدم کرد، دیگر چه نیازی به حضور تانک‌ها با آن هزینه‌های سنگین می‌باشد این تفکر در ارتش‌های غربی تا حدودی جدی تر دنبال شد، آنها تقویت سیستم‌های ضد زره را بیشتر مد نظر قرار دادند، برای همین است که در آخرین صف آرای‌های غرب و شرق (ناتو و ورشو) ما شاهد حضور ۵ به ۱ تانک‌های شرقی و روسی نسبت به غربی بودیم ...

به نظر می‌رسد این تفکر نقطه ضعف ماست ... تشکیل پر تعداد و پر حجم واحدهای ضد زره، کار روی موشک‌های ضد زره دقیق می‌تواند این نقیصه را جبران کند... در رابطه با محور مقاومت ظاهراً یا کوتاهی شده است یا به صورت انبوه در اختیار نیروهای سوری قرار نگرفته است و یا ...

صدور دستور استفاده از موشک‌های آمریکایی و اروپایی در عمق استراتژیک روسیه، مولد بحران‌های مزمن و دامنه‌داری در صحنه جنگ اوکراین و فرامتن آن بوده است. تغییر رسمی دکترین هسته‌ای روسیه و خیز این کشور جهت هدف قرار دادن گسترده‌تر کی‌یف و خارکف از جمله این تبعات محسوب می‌شود. جمهوریخواهان آمریکا می‌گویند اقدام اخیر بایدن، در راستای تخریب بازی دولت ترامپ در قبال جنگ اوکراین و تصاعد بحران در حوزه اروپای شرقی و حیاط خلوت روسیه است. کاملاً هریس در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری پنجم نوامبر تاکید کرده بود که در صورت پیروزی در انتخابات، روند کنونی در اوکراین (حمایت از استمرار جنگ) را ادامه خواهد داد با این حال اصرار دموکرات‌ها بر ادامه جنگ اوکراین تبدیل به یکی از پاشنه آشیل‌های انتخاباتی آنها شد. اکنون، دموکرات‌ها قصد دارند قبل از خروج از کاخ سفید، با بسط دامنه جنگ و درگیرسازی بیشتری کی‌یف و مسکو، مدیریت مذاکرات آتش‌بس احتمالی را از سوی دولت بعدی آمریکا، یعنی دولت ترامپ، سخت و دشوار سازند.

## نبرد فرامتنی بر سر پیش‌فرض‌ها

سردرگمی راهبردی اعضای ناتو در قبال نحوه مواجهه با جنگ اوکراین محرز و مشخص است. مصادیق این سردرگمی خود را در مواضع آشکار اعضای پیمان آتلانتیک شمالی نشان داده است: جایی که آلمان و مجارستان نمی‌توانند نگرانی خود را در قبال کنترل ناپذیر شدن ابعاد عملیاتی و تبعی تشدید جنگ کتمان کنند. اظهارات اخیر اولاف شولتس صدراعظم سرزمین ژرمن‌ها مبنی بر لزوم خویشتنداری طرفین (کی‌یف و مسکو) در میدان نبرد، انعکاسی از همین نگرانی است. در مقابل، فرانسه، انگلیس و آمریکا با ارائه مجوز استفاده از موشک‌های میان برد و دوربرد ارسالی خود به اوکراین در خاک روسیه، قمار پرخطر و سختی را با هدف بر هم زدن موازنه جنگ آغاز کرده‌اند. بسیاری از استراتژیست‌های غربی هشدار داده‌اند که چنین موازنه‌ای در نهایت (به سود غرب) شکل نخواهد گرفت و فراتر از آن، روس‌ها را وادار به تحمیل ضربات سهمگین‌تری به اوکراین و حتی گسترش نبرد به کشورهای دیگر می‌سازد.

آنچه اکنون در فرامتن جنگ اوکراین خودنمایی می‌کند، جدال بر سر ثوابت میدانی، راهبردی و لجستیک است. پایگاه نشنال اینترنست در تحلیلی به قلم آکادی موشس، مدیر برنامه تحقیقاتی روسیه در موسسه امور بین‌الملل فنلاند می‌نویسد: "در بررسی سناریوهای مختلفی که چگونه این کار می‌تواند انجام شود، تحلیلگران در ایالات متحده و اروپا بیشتر بر تضمین‌های امنیتی و کمک‌های اقتصادی که باید به اوکراین ارائه شود، یا بر اهرم‌هایی که غرب می‌تواند به کار گیرد تا کی‌یف را به پذیرش یک توافق اجتناب‌ناپذیر متقاعد کند، تمرکز دارند. به نظر می‌رسد که دیپلمات‌های غربی، که احساس خستگی از جنگ در جوامع خود را درک کرده‌اند، این موضوع را مفروض داشته‌اند که چنین احساسی در روسیه یا به طور خاص در کرملین نیز وجود دارد."

## رمزگشایی از قمار نظامی کاخ سفید

رمزگشایی از این عبارات، چندان دشوار نیست. غرب ریسک‌پذیری اخیر خود را بر مبنای پیش‌بینی بازی روسیه در آینده، آن هم ناظر بر خستگی روس‌ها از فرسایشی شدن نبرد تعریف کرده‌اند. اما چنین پیش‌فرضی با مواضع صریح و عملیاتی مسکو در صحنه جنگ و معادلات بیرونی و پیرامونی آن سنخیتی ندارد. ولادیمیر پوتین و سرگی



لاوروف، هر دو تاکید کرده‌اند که کنشگری اخیر غرب، با واکنش‌هایی غیرقابل پیش‌بینی و غافلگیرکننده از سوی کاخ کرملین مواجه خواهد شد. تبدیل جنگ روسیه-اوکراین به جنگ روسیه-ناتو تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اخیر و پیروزی ترامپ، خط قرمز واشنگتن و دیگر اعضای پیمان آتلانتیک شمالی محسوب می‌شد، اما اکنون بایدن در هفته‌های پایانی حضور خود در کاخ سفید، رسماً از این خط قرمز خطرناک عدول کرده است. سوال اصلی اینجاست که اگر پیش‌فرض‌های راهبردی و محاسباتی غرب در جنگ اوکراین (خصوصاً در قمار نظامی-امنیتی اخیر) ابطال شود، هزینه‌های ناشی از تبدیل یک جنگ دو جانبه به نبردی مزمن و چندجانبه را چه کسی پرداخت خواهد کرد!؟

## گذشت زمان به سود کیست؟

سوال مهم دیگر، معطوف به مولفه‌های مهم تحت عنوان "گذشت زمان" است. رسانه‌های غربی اذعان کرده‌اند که در حال حاضر، ولادیمیر پوتین با اعتماد به نفس تصور می‌کند که گذشت زمان به سود اوست. گسترش دامنه تصرفات روس‌ها در منطقه دونباس و متعاقباً، تسلط آنها بر بخش مهمی از جبهه کورفسک (محل نبرد مسکو و کی‌یف در خاک روسیه)، چنین باوری را در کاخ کرملین تقویت کرده است. در چنین شرایطی منتقدان رویکرد کنونی ملت پاریس-واشنگتن-لندن این دغدغه مهم را مطرح می‌سازند که اساساً آنها بر چه اساسی دست به چنین ریسک بزرگی زده‌اند؟

## از صلح حداقلی تا جنگ حداکثری

گزاره‌هایی که این روزها در میان تحلیلگران غربی دست به دست می‌شود، در فاصله و بازه‌های میان صلح حداقلی و جنگ حداکثری تعریف شده است: قطعاً حتی اگر ترامپ در راس معادلات سیاسی واشنگتن قرار گیرد و به قول خود، معامله‌ای را جهت پایان دادن به جنگ میان پوتین و زلنسکی شکل دهد، این صلح و آتش‌بس شکننده (حداقلی) خواهد بود. شواهد میدانی و فرامتنی نشان می‌دهد که ما با یک صلح فراگیر، حداکثری و تضمین شده در جنگ اوکراین مواجه نخواهیم بود. در مقابل، اگر جنگ میان روسیه و اوکراین ادامه پیدا کند، ماهیت این نبرد راهبردی، حداکثری و پیش‌بینی‌ناپذیر خواهد بود. مانور عناصر غافلگیرکننده و ناگهانی در این آوردگاه، کاملاً قابل حدس است. بنابراین، ما با جنگی حداکثری (گسترده‌تر از وضعیت کنونی) مواجه خواهیم بود. تحقق گزینه‌های میدانی در این معادله چند مجهولی تقریباً ناممکن است. بستر جنگ در قالب و چارچوبی تعریف شده که امکان تحقق راهکارهای میدانی را تا حدود زیادی دشوار می‌سازد. روسیه توانایی خود را برای جنگ، از جمله جنگ فرسایشی، حفظ کرده است و در برخی زمینه‌ها حتی آن را افزایش داده است. در مقابل، زلنسکی در کسوت سیاستمداری مستقل در این معادله ایفای نقش نمی‌کند و حیات وی، کاملاً وابسته به استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی است که ناتو و در راس آن آمریکا در قبال صحنه نبرد تعریف می‌کند.

## چرا حزب الله سقوط نکرد و سوریه دارد سقوط می‌کند؟

سیدآرش وکیلان

هفته قبل یک آتش بس شصت روزه میان اسرائیل و لبنان منعقد شد که برخی از آن تعبیر به شکست حزب الله لبنان کردند، اما بلافاصله بعدش طی کمتر از یک هفته بخش مهم و بزرگی از سوریه به دست نیروهای مسلح مخالف اسد افتاد بی آنکه ارتش این کشور مقاومت خاصی کرده باشد. برای ادراک پیروزی و شکست باید این دو رخداد را مقایسه کنیم

در جنگ اسرائیل با حزب الله طی بیش از دو ماه، ارتش اسرائیل با انواع سلاح‌های مدرن کوشید تا چند کیلومتر پیشروی کند و به رود لیطانی برسد. اما جز در یک منطقه غیرشيعه، موفق نشد و تلفات و خسارات سنگینی هم برجا نهاد. این در حالی بود که طی این جنگ اسرائیل رهبران و فرماندهان ارتش حزب الله را با بمب و موشک‌های بسیار دقیق و قوی به شهادت رسانده بود اما باز هم این نیرو دست از مقاومت برنداشت و تا روز آخر همچنان موشک‌هایش شلیک می‌شد.

در آن سو، مخالفان مسلح اسد که فاقد ارتش مکانیزه و نیروی هوایی پشتیبان بودند به سهولت بر حلب چیره شدند. نه ارتش سوریه با آنها جنگ شدیدی کرد و نه مردم مقاومت کردند. سپس عازم حماه و حمص شدند و بعد از چند روز درگیری بر آن نیز چیره گشتند و دمشق را هدف گرفتند. این پیشروی چنان آسان و سریع رخ داد گویی دولت اسد فقط روی کاغذ قدرت داشت.

موجودیت‌هایی که ریشه در باورهای شدید اعتقادی و پشتیبانی قوی اجتماعی دارند، با زور شکست نمی‌خورند، هر چقدر هم که این زور قوی باشد. در مقابل قدرت‌های وابسته به پشتیبانی خارجی و فاقد عزم اعتقادی و حمایت اجتماعی داخلی، به سهولت سقوط می‌کنند. اسد نه اولین مورد از آن بوده و نه آخرینش خواهد بود. از انقلاب کاسترو در کوبا تا خیزش طالبان در افغانستان، موارد متعدد از چنین دولت‌هایی را می‌توان دید.

جمهوری اسلامی ایران گرچه طی چند سال جنگ داخلی سوریه توانست با همکاری روسیه حکومت اسد را حفظ کند، اما این دولت اصلاح‌نشد و روابط آن با جامعه ترمیم نگشت، بلکه بشار اسد کوشید با ارتباط بهتر با امارات و برخی دیگر از دول عرب، پشتیبانی خارجی قویتری ایجاد کند.

ضعف حکومت اسد و حملات هدفمند اسرائیل به فرماندهان ایرانی، تدریجاً نیروی ایران را مستهلک کرد. ضمن آنکه ناکامی در انتفاع اقتصادی از شرایط پس از جنگ در سوریه نیز بر افت انگیزه برای حفظ آن اثر گذاشت.

هنوز چندان روشن نیست که در پشت پرده چه مناسباتی میان ترکیه، روسیه و ایران و در یک مقیاس گسترده‌تر آمریکا و اسرائیل و جهان عرب رقم خورده است که وضعیت دولت اسد این طور شکننده شده است.

محتمل است اتکای زیاد اسد به روسیه، گرایش تدریجی به امارات، محدودسازی حضور نیروهای نزدیک به ایران و عدم مشارکت سوریه در مقابله با اسرائیل، حتی در حد دفاع از خود، عرصه را طوری تغییر داد که ایران احساس کند هزینه بیشتر برای اسد برایش مثل گذشته اهمیت ندارد و باید با تغییر شرایط آرایش جدیدی پیدا کند.

## فردای سوریه تحت هدایت ترکیه چگونه خواهد بود؟

مسعود صدرمحمدی

حال این طرح در سیاست داخلی ترکیه چه تأثیری خواهد گذاشت؟ اردوغان اگر فضای لازم برای ایجاد ایالت کردستان تحت امر پ.ک.ک را در شمال سوریه ایجاد کند، پ.ک.ک را از فضای فعالیت تروریستی خارج کرده و وارد فضای فعالیت فقط سیاسی خواهد کرد. طیف‌های تندرو پ.ک.ک به سوریه خواهند رفت و در کشور موعودشان خواهند بود عناصر معتدل هم در ترکیه خواهند ماند و مشمول عفو خواهند شد. به این ترتیب اردوغان قهرمان تمام کردن یک غده خونین ۴۰ ساله در ترکیه خواهد شد. هم کردها راضی خواهند بود و هم ترکیه‌ها.

یک قدم دیگر هم وجود دارد: حرکت به سمت مدل دموکراسی شهری مورد تجویز اتحادیه اروپا در کشور. الان کردها دارند با اردوغان روی این مساله چانه زنی میکنند. میگویند تو این مدل را

با نظر به آنچه که در ۳ ماه اخیر در ترکیه رخ داده اگر بخواهم خلاصه نقش ترکیه را بگویم این است: اردوغان در مقابل تداوم قدرتش قبول کرده است که بار دیگر بازیگری اجرای نقشه فدرالیسم ۵ ایالتی در سوریه را بر عهده بگیرد. اردوغان قانوناً این دوره دوره پایانی اش است و باید از قدرت کنار برود. اما آمریکا را راضی کرده است که در مقابل تداوم قدرتش زمینه ایجاد طرح ۵ ایالتی در سوریه و خصوصاً ایجاد اقلیم خودگردان کردی در شمال شرق سوریه را فراهم بیاورد.

بر اساس این طرح شرق فرات یک ایالت کردی، غربش با پیاتختی حلب یک ایالت سنی، دمشق یک ایالت ترکیبی و پایین هم دو ایالت علوی و سنی راه‌اندازی میشود. این ایالت‌ها مدل ارتباطیشان با دمشق مدل ارتباطی ارپیل با بغداد خواهد بود.

قبول کن ما هم تو را برای ریاست جمهوری بعدی بپذیریم. فی‌الجمله ترکیه بار دیگر وظیفه نقش آفرینی در خاورمیانه بزرگ را پذیرفته.

در صورت تحقق پروژه سوریه و همراهی تمام عیار اردوغان با کلان پروژه خاورمیانه‌ای آمریکا، طبیعی است که او بار دیگر نقش مرکزی را در بازیگری پیدا خواهد کرد و توان راهبردی اش در منطقه افزایش پیدا خواهد کرد. این افزایش توان هم در پرونده‌های دیگر مانند پرونده اتحادیه جهان ترک، کریدور زنگزور، لیبی، مدیترانه شرقی، بالکانف جنگ اوکراین و ... تأثیر عمده خواهد گذاشت. اما این افزایش توان را نمیتوان بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هایش فهم کرد. که خودش یک موضوع بزرگ است.

## مهم‌ترین دلایل نارضایتی مشتریان از شرکت‌های بیمه

سعید فتحی‌سازانی



از اصول صنعت بیمه، «اصل احتمال» است؛ بر اساس این اصل، مبالغی که از بیمه‌گذاران دریافت می‌شود و خسارت‌هایی که پرداخت می‌شود نباید مساوی باشند؛ بلکه باید با هم تناسب داشته باشند و طبق «اصل تعاون» نیز باید مبالغ اندک و جزئی از بیمه‌گذاران زیاد در رشته‌های مختلف دریافت شود تا خسارت عده قلیلی از بیمه‌گذاران خسارت‌دیده برای شرکت‌های بیمه قابل پرداخت باشد.

اسلامی متذکر شد: بحث مسائل اقتصادی همیشه آزاردهنده بوده و دست‌وپای صنعتگران بیمه را نیز به‌نوعی بسته است. مسائلی چون نوع سیاست‌گذاری‌ها و ناترازی نرخ رشد تورم و نرخ رشد حق بیمه شخص ثالث کار را برای صنعتگران بیمه سخت کرده و در مقابل، مردم هم از بیمه‌گرها انتظار دارند که دغدغه و ریسک‌های آنها را پوشش دهند.

وی با بیان اینکه پژوهش‌های بسیار زیادی در زمینه راهکارهای افزایش رضایتمندی مشتریان بیمه انجام شده است گفت: مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارت‌اند از بررسی نقش شفافیت در سیاست‌های قیمت‌گذاری منصفانه و تأثیر آن بر افزایش رضایت مشتریان بیمه، بررسی و سنجش عوامل مؤثر بر مدیریت ریسک شرایط اقلیمی با تأکید بر رضایت مشتریان و همچنین تحلیل اثربخشی سازوکارهای بیمه‌های اتکایی در بهبود توانگری مالی مشتریان.

در ادامه برنامه، سعید بهنام مظفرلو کارشناس و مشاور امور بیمه‌ای به بحث ماهیت بیمه اشاره و بیان کرد: بیمه تضمین سرمایه ماست. در حقیقت ما برای نگهداری از سرمایه خود به شرکت بیمه مراجعه کرده و با پرداخت مبالغ بسیار اندک وجود سرمایه مالی و جانی خود را تضمین می‌کنیم.

وی افزود: قوانین بیمه به‌مرور شکل گرفتند، آئین‌نامه‌های آن تصویب شدند و به مراحل اجرا درآمدند و روزبه‌روز هم کامل و کامل‌تر شدند.

کارشناس و مشاور امور بیمه‌ای درباره نحوه انتفاع شرکت‌های بیمه از حق بیمه‌ها گفت: شرکت بیمه با بررسی میزان ریسک، میزان پرداختی حق بیمه را مشخص می‌کند ضمن اینکه همه بیمه‌گذاران دچار خسارت و حادثه نمی‌شوند و شرکت‌های بیمه با مبالغی که جمع می‌شود و همچنین از محل سرمایه‌گذاری‌هایی که در امور اقتصادی انجام می‌دهند نه‌تنها خسارت‌ها را به خسارت‌دیدگان می‌پردازند؛ بلکه خودشان هم نفع مالی می‌برند.

بهنام مظفرلو درباره الزامات خدمات‌رسانی به بیمه‌گذاران اظهار کرد: زمانی که بیمه‌گذار به نمایندگی بیمه مراجعه می‌کند انتظار شفافیت و صداقت دارد به این معنا که نماینده بیمه اطلاعات واقعی و کامل و صادقانه را در خصوص بیمه‌نامه، شرایط احتمالی در طول مدت بیمه‌نامه و روند دریافت خسارت به بیمه‌گذار ارائه دهد.

وی ادامه داد: پس از خرید بیمه‌نامه و پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار، توقع می‌رود که بیمه‌گر در زمان وقوع خسارت از حمایت بیمه‌ای واحد صدور و پشتیبانی و واحد پرداخت خسارت بهره‌مند شود و خود را در مقابل این مجموعه ببیند که متأسفانه در بسیاری از موارد، طرز برخوردها در پرداخت خسارت مناسب نبوده و یا خسارت‌ها بسیار کمتر از میزان واقعی پرداخت شده است.

کارشناس و مشاور امور بیمه‌ای با اشاره به اینکه این مشکل به‌ویژه در دو سال اخیر در حال اصلاح است و شرکت‌های بیمه‌ای خیلی جدی به پرداخت خسارت‌های آنلاین و خسارت در محل روی آورده‌اند گفت: این روند، منجر به تسهیل در روند دریافت خسارت و کاهش صف‌های طولانی و بهبود انتظارات بیمه‌گذاران شده است.

## «ایران همدل» نیازمند ثبت، ضبط و الگوگیری است

محمد هادی‌همایون

تحلیل و تبیین مشارکت بالای مردمی در پوشش ایران همدل در گفتگو با دکتر محمد هادی همایون را در ادامه می‌خوانیم.

پیروزی انقلاب اسلامی یک تحول بزرگ تاریخی بود که جریان حرکت به سمت ظهور را تقویت کرد. ظهور از جمله مراحل قیامت است که در آن هم موضوع جدانشدن حق و باطل مطرح است. یعنی اهل حق در حقانیت خود تقویت می‌شوند و اهل باطل در باطل بودن خود، طبیعتاً انسان‌های بسیار زیادی که روی زمین زندگی می‌کنند و هنوز تصمیم نگرفته‌اند، به تعبیر قرآن کریم، با جریان ظهور آنها نیز به حق می‌پیوندند. «وَرَأَيْتَ الْإِنْسَانَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا». اگر که جریان انقلاب اسلامی، جریان ظهور و جریان قیامت دامن زدن به این تقابل حق و باطل است و روشن کردن این تقابل است، طبیعتاً مردم در جبهه حق خود متمرکزتر و جدی‌تر خواهند شد و این روحیه‌های اهل حق و اهل ایمان است که فرصت بروز و ظهور بیشتری می‌یابد. کم‌اینکه ما آن را در پایداری چهل و چندساله انقلاب در هر صحنه‌ای شاهد بودیم. ان‌شاءالله به آن نه‌انتهایی برسد که جریان ظهور را برای ما فراهم کند.

چون ما خود را مقدمه ظهور قرار دادیم طبیعتاً در جریان ظهور خصلت‌هایی که در جبهه حق وجود دارد تقویت می‌شود. یکی از این خصلت‌ها همین مواساتی است که بین مؤمنان باید برقرار باشد. در این چهار دهه پس از انقلاب، در هر مقطع تاریخی، شاهد بروز این روحیات بوده‌ایم. از همدلی مردم در دوران دفاع مقدس گرفته تا کمک‌های گسترده به نیازمندان در شرایط سخت اقتصادی، این خصلت‌ها همیشه در میان مردم ما تقویت شده است. امروز نیز در ادامه مسیر انقلاب اسلامی ما شاهد آن هستیم.

به‌رحال ما در این وضعیتی که قرار گرفته‌ایم، که شاید بتوانیم خود را با قومی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همیشه بشارت داده بودند، تطبیق دهیم؛ قومی که در آخرالزمان می‌آید و زمینه‌ساز ظهور خواهد شد. ان‌شاءالله که ما همان قومی باشیم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت داده‌اند. اگر چنین باشد، طبیعی است که در همین مرحله، مواسات و همدلی اقتصادی هم باید بتوانیم ویژگی‌های آن قوم را به نمایش بگذاریم که الحمدلله



## واردات خودروی کارکرده به بازار تعادل می‌بخشد

مصطفی طاهری

مصطفی طاهری در ارتباط زنده تلفنی با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو با اشاره به آئین نامه واردات خودروهای کارکرده اظهار کرد: بنده برای تدوین این قانون وقت بسیاری صرف کردم و ابتدا از مرکز پژوهش‌ها خواستم برای مطالعه تطبیقی با سایر کشورها اقدام کند.

واردات خودروهای کار کرده در اکثر کشورها متداول است و در انگلیس، کشورهای عربی و آمریکا شاهد چنین مسئله‌ای هستیم و بحث شائبه مطرح نیست.

نکته دوم به ارزیابی باز می‌گردد ولی در سایر کشورها، خودروی کارکرده افت قیمت شدید دارد و به سان کشور ما با افت ناچیز رو به رو نمی‌شود.

وی افزود: با هزینه‌ای معادل یک دهم قیمت خودروهای مشابه و با ارز اندک، می‌توان حجم بالایی از خودروهای کارکرده را وارد کشور کرد.

از طرفی کمبود خودروی خارجی، افزایش قیمت جهشی را در کشور در پی داشته و تا ده برابر خودروی مشابه در کشورهای همسایه نرخ گذاری می‌شود.

به گفته طاهری قیمت در خودرو به صورت آشنایی تغییر می‌کند؛ خاصه برای خودروهای لوکس و اگر نرخ یک خودرو افت کند، قیمت سایرین را نیز پایین خواهد آورد و این یک قاعده اقتصادی در خودرو است.

وی با بیان این که ثبت سفارش و واردات خودرو خارجی با یک روند تدریجی همراه است، افزود: امروز واردات خودرو فزونی گرفته چون موعد ثبت سفارش‌ها به مرور فرا می‌رسد؛ ولی در رابطه با خودروی کارکرده، می‌توان ظرف مدت سه الی چهار ماه، وعده‌ی داده شده به مردم را محقق کرد.

البته آن زمان که در مجلس به این کار اصرار داشتیم دولت تمکین نمی‌کرد و اکنون هم این روند با کندی پیش می‌رود.

طاهری به رادیو گفت‌وگو گفت: در این صورت با واردات چند کشتی از خودروهای کارکرده، تأثیر مثبت آن در بازار داخلی نمایان می‌شود و مثلاً نرخ خودرویی که تا ۱۰ میلیارد افزایش یافته بود، یکباره به ۵ میلیارد می‌رسد و دیگر خودروها را نیز همراه خود با افت قیمت همراه می‌کند.

بنابراین واردات خودرو به واقع در بازار داخلی تأثیر مثبت دارد. البته این سیاست ابدی نیست و هر زمان بازار به تعادل برسد و تولید داخل و امنیت و رقابت قابل قبول باشد، دولت می‌تواند روند این واردات را کم و زیاد کند.

وی با بیان این که عملکرد دولت در واردات خودرو کارکرده تقریباً صفر بوده است، افزود: برخی مناطق آزاد با پرداخت حقوق ورودی اجازه ورود این نوع خودروها را به منطقه اصلی داده‌اند ولی واردات از کشوری دیگر همچنان غیر اجرایی مانده است.

البته بحث ارزی پنهان این کار مطرح بود و از طرفی برخی معتقد بودند این خودروها نباید سرقتی باشد؛ اما این کار در دنیا جدید نیست و نمی‌توان مدعی شد این روند را ما اختراع کردیم ولی هم اکنون باید نسبت به ابعاد مختلف آن فکر کنیم!

طاهری به رادیو گفت‌وگو گفت: در حال حاضر دو سال از این قانون گذشته ولی هنوز اجرایی نشده است. در حالی که اگر امروز این واردات صورت گیرد، همچنان تأثیر مثبت خود را بر بازار خودرو خواهد گذاشت.

این مشابه همان چیزی است که در جریان دفاع مقدس انجام شد. حالا به نظرم می‌رسد که باید پشت سر این جریان، شروع کنیم به ثبت، ضبط و الگوگیری از آن و برویم به این سمت که این جریان را به یک نظام منسجم و اقتصادی برتر تبدیل کنیم. همان‌طور که در اربعین و دفاع مقدس شاهد بودیم، این تجربیات می‌تواند به ایجاد یک نظام اقتصادی کمک کند که نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح جهانی نیز تأثیرگذار باشد.



## ماهنر ایرانی که بر اثر شتابزدگی منسوخ شدند

معصومه سلامی

تا به اینجا از موهبت آهستگی و تاثیر هنرهای گوناگون در دست یافتن به این موهبت گم‌شده گفتیم، و حالا، در صفحه‌ی تازه‌ی پرونده «هنر و آهستگی» به سمت تاریک‌تری از این ماجرا پرداخته‌ایم. تاثیر شتاب بر دنیای هنر تنها به کاستن کیفیت آثار هنری خلاصه نمی‌شود، بلکه در مواردی، شتابزدگی باعث مرگ هنرها و پاک شدن‌شان از صحنه‌ی فرهنگ، جامعه و زندگی روزمره ما شده است. در این فهرست، معصومه سلامی - طراح و پژوهشگر هنری - ۱۰ هنری که تحت تاثیر شتابزدگی منسوخ شدند یا در آستانه‌ی این اتفاق تلخ هستند را گردآوری کرده است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

نور رنگارنگ رده‌شده از پنجره‌های مشبک ارسلی و انعکاس‌شان در آینه‌کاری‌های روی دیوار، فرش‌ها و گلیم‌های لاک‌ی و سرنجی‌رنگ روی زمین، درب‌هایی با نقوش منبت، بوی چوب و حصر در کنار عطر خوش چای سامور ورشو، گلدان‌هایی سفالی و مسی نشسته بر رومی‌های پته‌دوزی و ترمه، با نقش بته‌جقه از جمله مواردی هستند که خاطره‌ی جمعی ایرانیان را می‌سازند و مانند رشته‌هایی محکم آن‌ها را به هم پیوند می‌زنند. این خاصیت وجودی صنایع دستی هر سرزمین است؛ حفظ ماهیت فکری و هنری مردمی که قرن‌ها در کنار هم با زیست‌بومی مشترک، رنج و شادی را تجربه و رشد کرده‌اند. در واقع صنایع دستی، گذشته از معنای عام تحت‌اللفظی خود، گروهی از لوازم دست‌ساخته‌ای هستند که به هویت‌های تاریخی، فرهنگی و هنری یک جامعه وابسته‌اند. این دست‌ساخته‌ها طبعاً از مواد اولیه‌ی طبیعی تشکیل می‌شوند که در آن‌ها دوام و جنبه‌ی زیست‌محیطی و سلامتی در نظر گرفته شده است که از این نظر بسیار ارزشمند محسوب می‌شوند. از دیگر مشخصات صنایع دستی، قابلیت تولید خانگی یا کارگاهی است که در درآمدزایی خانواده‌ها (به‌خصوص روستائیان و عشایر) نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌لحاظ کاربردی بودن هم باید گفت که هر چه به گذشته بازگردیم، صنایع دستی نقش بیشتری را در برآورده کردن نیازهای مردم ایفا می‌کرده اما با غلبه‌ی فرهنگ مدرن، در عصر ماشین و شتاب صنعت و نیاز به تولید انبوه و البته مشابه، به‌ناچار دست‌ساخته‌ها (که حتی با تشکیل کارگاه‌ها هم توانایی چنین تولیدی را ندارند) جنبه‌ی هنری و ذوقی بیشتری پیدا کردند و در حال حاضر اکثراً برای حفظ و نمایش فرهنگ، تاریخ و هنر ملی تولید می‌شوند.

### ■ آهستگی در صنایع دستی

همان‌طور که گفته شد این دست‌ساخته‌ها در سرعت تولید در مقایسه با صنایع مدرن و ماشین‌آلات، دست پایین‌تری دارند و نمی‌توانند همه‌ی نیازهای جامعه را برآورده کنند، اما به‌لحاظ بار سنگین ظرافت و گره زدن فکر و دست هنرمندانه در تولید، با نمونه‌های کپی و اغلب مصنوعی صنعتی قابل قیاس نیستند. ناگفته نماند که هر ماده‌ای به‌صورت خام در طبیعت قابلیت استفاده‌ی مستقیم در صنایع دستی را ندارد و به‌ناچار باید با تغییر و تحویلی همراه شود. مثلاً پوست حیوانات باید با طی مراحل دباغی به چرم حیوانی تبدیل شود تا در ادامه از آن در دست‌سازهای چرمی استفاده کنند. از این رو زمان مشخص و آهستگی تعریف‌شده‌ای برای تحول این عناصر طبیعی به مواد اولیه‌ی تولید وجود دارد. (مثل رنگرزی سنتی در قالی‌بافی) همچنین با توجه به وابستگی

تولید صنایع دستی به عنصر انسانی، طبعاً آهستگی تولید، ضریب بالاتری پیدا می‌کند که متأسفانه با نوع توقع مدرن در تضاد است. در حالی که هنرمند عصر مدرن در جست‌وجوی تولید پرشمار است، هنرمند صنایع دستی تولیدی باکیفیت همراه با تأمل را منظور دارد و در هر محصول با ظرافت، حسی از وجودی ذی‌شعور باقی می‌گذارد. نتیجه‌ی این آهستگی ارزشمند چیزی جز خلق آثاری بی‌نظیر و بدون تکرار نیست که بار سنگینی از فرهنگ مردم یک خطه را هم بر دوش می‌کشد.

با این مشخصه‌ی کلی و یکسان در همه‌ی دست‌ساخته‌ها، در این میان صنایعی هستند که به‌دلایلی سرعت تولید بسیار کمتری نسبت به دیگران دارند و طبیعتاً اگر غفلتی به‌لحاظ وزن فرهنگی آن‌ها صورت بگیرد، به‌سرعت منسوخ می‌شوند. اگر از مواردی مثل «چلنگری سنتی» که امروزه جایگزینی ماشینی پیدا کرده است چشم‌پوشی کنیم، در سال‌های اخیر بسیاری از هنرهای دست‌بر فراموشی که به‌صورت انگشت‌شمار در حال فعالیت هستند جایگزینی ندارند و متأسفانه با از دست دادن اساتید حرفه‌ای این رشته‌ها، در لبه‌ی پرنگاه فراموشی به سر می‌برند. از این رو در اینجا به معرفی نمونه‌هایی از این هنرهای دستی ارزشمند می‌پردازیم که دیگر به‌صورت گسترده تولید نمی‌شوند و شاید به معنای واقعی کلمه منسوخ نشده باشند اما به تعداد محدود مشغول به کار هستند.

### ● هنر لایه‌چینی

لایه‌چینی پیوند میان نگارگری ایرانی و معماری است که در بناهایی مانند کاخ چهلستون، عمارت عالی‌قاپو، عمارت هشت‌بهشت، تالار اشرف و بسیاری از خانه‌های دوران صفویه استفاده شده است. قدمت این هنر هم به همان دوران و خلاقیت‌های بی‌نظیر معماران ایرانی عصر صفوی بازمی‌گردد. این هنر که از بافت لایه‌لایه‌ی خاک سرخ و ترکیب آن با چسب سریشم به دست می‌آید با نقوش ایرانی پیوند می‌خورد و برای تزئین دیوارهای داخلی با نقوشی شبیه به تذهیب ایرانی در بنا به کار می‌رود. لایه‌چینی در شهرهایی مثل اصفهان، مشهد و تبریز رواج داشته اما بعد از دوره‌ی قاجار به‌علت مشقت و اجرای لایه‌لایه‌ی نقوش با دست، رو به سوی فراموشی گذاشته و دیگر از وجود این تزئینات باشکوه بی‌بهره مانده‌ایم.

### ● زمودگری

اگر به درب‌های چوبی ورودی عمارت‌ها و خانه‌های قدیمی نگاه کنیم، متوجه پیوند فلزهای زیبای منقوش بر روی چوب بدنه می‌شویم که درب را محکم و استوار نگه داشته و بر روی پاشنه می‌چرخانند. به این هنر فلزکاری که بر روی درب‌های چوبی اجرا می‌شده زمودگری گفته می‌شود. زمود در لغت به معنای نقش و نگار و تزئین کردن است و زمودگران نقاشان بسیار خوبی بوده‌اند. این هنر که با آهنگری و نقوش ایرانی مرتبط است امروزه با درب‌های پیشرفته و مدرن به فراموشی سپرده شده. اگر چه که تولید چنین آهن‌های منقوشی نیازمند صرف زمان برای یادگیری نقوش و مشقت آهنگری است اما با خود به جز زینت، نمادی از هویتی ایرانی را روی درب خانه‌ها حمل می‌کرده است که می‌توان به‌جای فراموشی، آن را به‌شکل امروزی پیاده‌سازی و اجرا کرد.

### ● ارسلی‌سازی

هنر زیبای ارسلی‌سازی هنری کهن و وابسته به معماری است و

پیوندی بین نازک‌کاری چوب، شیشه‌بری، نجاری و طراحی. در پنجره‌های مسجد وکیل شیراز یکی از زیباترین جلوه‌های آن را می‌توان دید. شاید جالب باشد بدانید که در ارسلی‌سازی هیچ میخ و چسبی به کار نمی‌رود و تمام نقش و نگارهای ارسلی به‌وسیله‌ی اتصالات و شیارهای ظریف چوب (کام و زبانه) به هم وصل می‌شوند. برای این کار ابتدا طرح اولیه با استفاده از هندسه و مثلثات روی کاغذ تهیه می‌شود و سپس چوب‌ها با دقت بریده شده و اتصالات با فنون زیبای نجاری به هم متصل و سپس در خانه‌های منقوش و مشبک گره‌چینی، شیشه‌های رنگی جای‌گذاری می‌شود. به‌علت هم‌زمانی چند هنر و مهارت تخصصی در فرایند تولید، طبیعتاً سرعت کار این هنر پایین است و امروزه با توجه به شتاب دنیای مدرن در معماری کاربرد وسیعی ندارد. ارسلی‌سازی در مناطق آفتاب‌گیر و گرمسیر کاربرد فراوانی داشت ولی دیگر نور رنگارنگ ارسلی‌هاز پنجره‌ی خانه‌ها و مساجد ایرانی بر فرش‌ها نمی‌تابد و این هنر به تاریخ پیوسته است.

### ● جلدسازی سنتی و پایه‌ماشه

جلدسازی در ایران سابقه‌ای پانصد ساله دارد. جلد‌ها در دو نوع چرم و لاک‌ی روغنی تهیه می‌شدند که نوع چرمی پرطرفدارتر و ماندگارتر بود. جلد روغنی یا لاک‌ی هم که با روش پایه‌ماشه تهیه می‌شود از شیوه‌های جلدسازی قدیمی در ایران و یکی از جلوه‌های زیبای کتاب‌آرایی در هنر اسلامی محسوب می‌شود. بیشتر جلد‌های کتاب‌های خطی قدیم فارسی، مجلد به جلد روغنی هستند. این روش از دوره‌ی تیموری ابداع شده و در دوره‌ی صفوی و قاجار به اوج کمال و ظرافت دست یافت. هنرمند جلدساز هم‌زمان نگارگر، مذهب و صحاف سنتی بوده است که علاوه‌بر قسمت رویه‌ی جلد، قسمت داخلی آن را هم طراحی و تزئین می‌کرده است. امروزه اساتید انگشت‌شماری این صنعت دست ارزشمند را زنده نگه داشته‌اند. جلدسازی به‌دلیل پرزحمت بودن و صرف زمان زیاد برای اجرای لایه‌لایه‌ی طراحی و ساخت جلد از هنرهای رو به فراموشی ایرانی است.

### ● شیشه‌درمه

شیشه‌درمه، دست‌بافته‌ای افقی و منحصربه‌فرد متعلق به عشایر استان فارس است که برخلاف باقی دست‌بافته‌ها از دو رنگ در چله‌کشی استفاده می‌شود و چله‌کشی این دار بسیار سخت و تخصصی است. این دست‌بافته‌ی دو رویه و دو رنگ از نقوشی لوزی‌شکل تشکیل می‌شود که از هر طرف کار یک رنگ زمینه و رنگ دیگر نقوش را تشکیل می‌دهد. شیشه‌درمه که محصول ذوق و فکر و تمرکز در چله‌کشی و اجراست، جزو دست‌بافته‌های منسوخ نیست اما همچون باقی دست‌بافته‌ها، چندان رواجی ندارد و باید بیشتر مورد مهر و توجه قرار گیرد.

### ● چموش‌دوزی

چموش پای‌افزاری چرمی و بدون پاشنه متعلق به مردمان خطه‌ی گیلان است که از آن به‌عنوان پاپوشی سبک برای شکار و کوه و جنگل‌نوردی استفاده می‌کردند. نوعی از آن تسمه و بندی دارد که تا ساق پا بسته می‌شود. علاوه‌بر دباغی سنتی و زمان زیادی که برای آن صرف می‌شده، دوخت این پای‌افزار هم با به بازار آمدن کفش‌های صنعتی و چکمه‌های لاستیکی رو به فراموشی گذاشته و

امروز اگر چه که می‌تواند جایگزینی طبیعی برای پاپوش‌های خانگی باشد اما با تولید بسیار کم و صرفاً در منطقه‌ی ماسوله، به کفشی تزئینی بدل شده است.

### ● ماشوبافی

ماشوبافی از هنرهای مردم جزیره‌ی قشم و خلیج فارس است. صنعت ماشوبافی برای تولید عبای پشمی و ضخیم کاربرد داشته است. این عبا را عمدتاً ساربان‌ها می‌بافتند و پوششی مناسب برای سفر ملوانان دریایی به مناطق مختلفی مانند آفریقا و هند بوده است. امروزه اما با فوت آخرین فرد تولیدکننده‌ی این عبا دیگر اثری از این هنر باقی نمانده و تقریباً تمام کارگاه‌ها و وسایل ماشوبافی از بین رفته‌اند.

### ● قنایوزبافی

قنایوز نوعی پارچه‌ی ظریف ابریشمین است که ابتدا در سرزمین خراسان متولد شد و سپس مردم یزد و تفت و میبد، استادان تولید پارچه‌های دست‌بافته در دوره‌ی صفوی و قاجار، آن را رواج دادند. این دست‌بافته‌های ابریشمین و زیبا و پرزحمت که اکثراً به رنگ قرمز هم تولید می‌شده به‌صورت آستر در لباس‌ها به کار می‌رفته است اما امروزه با بی‌توجهی، انگیزه‌ای برای بافندگان باقی نمانده و هیچ هنرمندی به تولید قنایوز سنتی یزد مشغول نیست و این هنر متأسفانه به‌صورت کامل منسوخ شده است.

### ● مخمل‌بافی

مخمل‌بافی هنر خلق پارچه‌هایی نفیس، ظریف و زیبا با پرزهای بلند یا کوتاه است که به‌صورت ساده یا منقوش برجسته کار می‌شده و تولید آن در زمان تیموری و سپس صفوی و قاجار رواج داشت. این دست‌بافته‌ها که از ابریشم خالص و لطیفی تهیه می‌شدند، برای روکش قرآن‌ها و صندوقچه‌ها، رومی‌زی و دوخت لباس به کار می‌رفتند. این مخمل‌های دست‌بافته‌ی بادوام و منحصربه‌فرد که بافت آن نیازمند تخصص بالا و صرف زمان زیادی بوده در شهرهای یزد، کاشان و نیشابور تولید می‌شده که به‌علت روی کار آمدن دستگاه‌های نساجی و الیاف‌های مصنوعی با پارچه‌هایی کم‌دوام و بازاری حالا به‌سختی می‌توان از وجود آن در کاشان یاد کرد.

### ● موج‌بافی کردستان

پارچه‌ی موج از جنس پشم گوسفند است که به‌صورت چهارخانه با نقوشی محلی بافته می‌شود و در کردستان سابقه‌ی بسیار زیادی دارد. در زمستان موج‌ها به‌عنوان روانداز و در فصول دیگر برای مصارفی از جمله سجاده به کار می‌رفت. نقوش زیبا و پرمعنای این پارچه‌ها پرتلاوسی، چهارخانه‌ی سیاه و سفید، تریج‌دار گنبدی، پرند، درخت و ماهی، برگ بیدی و چشم بلبل‌ی و... بوده است. بافت این پارچه بسیار ظریف و پرزحمت است و با تغییر ذائقه به‌سمت مدرنیته و رواج پارچه‌های وارداتی و در دسترس با قیمت کمتر، این هنر بی‌نظیر و ماندگار رو به فراموشی است. موج در استان‌های دیگری مثل ایلام و قزوین هم تولید می‌شود، اما موج کردی با نقوش منحصربه‌فرد خود در حال حاضر با تعداد بسیار کمی از کارگاه‌ها و به‌صورت سفارشی تولید شده و از نظر گستردگی منسوخ محسوب می‌شود.



هنرچموش‌دوزی



هنرزمودگری



هنرلایه‌چینی

## دولت و سازمان سینمایی به سینمای اجتماعی بپناه دهند

مسعود صدرمحمدی

محمد محمدی منتقد سینما و روزنامه‌نگار در مصاحبه با برنامه «سینما زاویه» رادیو گفت‌وگو درباره موضوع تنوع در ژانر سینمای ایران اظهار کرد: واقعیت این است که ذائقه مخاطب تغییری نکرده و تاریخ سینمای ایران حداقل در چهار دهه اخیر ثابت کرده هر وقت فیلم غیر کمدی خوب و استاندارد ساخته شود مخاطب دارد.

وی با اشاره به اینکه تعداد فیلم‌های کمدی اکران شده در سال ۱۴۰۲ برای اولین بار در تاریخ سینمای ایران از سایر ژانرها بیشتر بود افزود: علت پررنگ‌تر شدن سینمای کمدی در سینمای ایران طی سال‌های اخیر این است که سیاست‌گذاری سینمایی در دولت سیزدهم به سمت‌وسوی فیلم‌های کمدی رفت. ما در سال گذشته فیلم ۱۸ فیلم کمدی داشتیم و از پنج فیلم آمار، چهار فیلم کمدی در صدر قرار گرفتند.

منتقد سینما متذکر شد: اهتمام و سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری دولت در حوزه سینما طی سه سال گذشته بیشتر به سمت سینمای کمدی رفت و طبیعی است که مردم هم به سمت تماشای فیلم‌های کمدی سوق پیدا کنند.

محمدی با بیان اینکه اقتباس در حوزه هنرهای نمایشی اعم از سینما و تئاتر موجب بالا رفتن کیفیت فیلمنامه و نمایشنامه می‌شود گفت: یک فیلم خوب لزوماً فیلم پرمخاطبی نمی‌شود و به کرات این اتفاق افتاده که فیلم خوب داشتیم؛ اما پرمخاطب نشده است مانند فیلم «موقعیت مهدی».

وی از عدم توازن تعداد فیلم‌های کمدی و فیلم‌های جدی و غیر کمدی در سینما سخن گفت و متذکر شد: سینمای کمدی و غیر کمدی یا همان اجتماعی‌ظرفیت جذب مخاطب را دارند؛ اما نباید فراموش کرد که تبلیغات هم صرفاً یک عامل کمک‌کننده است و نقش تعیین‌کننده‌ی ندارد.

این روزنامه‌نگار ضمن انتقاد از نوع سیاست‌گذاری سینمایی در دولت سیزدهم خاطر نشان کرد: شورای پروانه ساخت و نهادها و شوراهای بررسی‌کننده خیلی در حوزه فیلم‌های اجتماعی سخت‌گیری می‌کنند. متأسفانه در دولت گذشته خیال خود را راحت کرده بودند و فیلم کمدی بدون دردسر می‌ساختند و سینمای اجتماعی و دفاع مقدس را

حاشیه‌ساز می‌دانستند.

وی با بیان اینکه سینمای کمدی آسان‌ترین راه برای آوردن مخاطب به سینما و پرورش فروش است و بعد از اکران هم هیچ تجمعی جلوی وزارت ارشاد صورت نمی‌گیرد گفت: سینمای اجتماعی حرف برای گفتن دارد، تذکر می‌دهد و به دلیل اینکه اتفاق و چالشی را مطرح می‌کند حاشیه دارد و لذا خیلی‌ها حاضر نیستند پای آن بمانند.

محمدی بیان کرد: ما در سال ۱۴۰۲ همه مدل ژانر در سینما داشتیم و ۱۵ فیلم اجتماعی اکران کردیم؛ اما نکته اینجاست که سیاست‌گذاری‌ها در حوزه سینما باید طوری باشند که ۲۸ میلیون مخاطب سینما بین ژانرهای مختلف تقسیم شوند.

منتقد سینما پرمخاطب‌ترین فیلم‌ها در دهه شصت، هفتاد و هشتاد را به ترتیب فیلم‌های کودک و نوجوان، فیلم‌های دفاع مقدسی و فیلم‌های اجتماعی عنوان کرد و افزود: امیدواریم دولت چهاردهم در سیاست‌گذاری‌های خود و سازمان سینمایی جدید به سمت‌وسوی سینمای اجتماعی حرکت کنند.

## گذار به عصر جدید فضای مجازی

محمد امین حاجی هاشمی

جهان روزهای پیچیده‌ای را پشت سر می‌گذارد. سرعت تحولات به شدت افزایش پیدا کرده و علاوه بر تغییرات فناوری، حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی نیز دستخوش اتفاقات پی در پی شده است. از سه دهه قبل آمریکا در حوزه فناوری اطلاعات، برتری خود را در جهان تثبیت کرده بود. پنج شرکت بزرگ فناوری فضای مجازی این کشور که به Big Five (گوگل، مایکروسافت، فیس‌بوک، آمازون و اپل) معروف بودند، از طریق ارائه برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن) و خدمات (سرویس) بخش مهمی از زندگی و اقتصاد و افکار عمومی جهان را مدیریت می‌کردند. این شرکت‌ها در حوزه‌های مهمی مانند خدمات شبکه اجتماعی، فروشگاه نرم‌افزاری (اپ استور)، بازی‌های رایانه‌ای و فروشگاه‌های دیجیتال، ارائه خدمت می‌کنند. آینده جهان نیز بر پایه فناوری‌های همگرا (NBIC) و همچنین هوش مصنوعی در حال پایه‌ریزی است که آمریکا و چین از مدعیان اصلی آن هستند.

اما از سال ۲۰۱۰ اتفاقات جدیدی رخ داد که مقدمه تغییرات ژئوپلیتیک فضای مجازی را رقم زد. قوانین سخت‌گیرانه چین، باعث شد پس از چند سال کشمکش، شرکت بزرگ گوگل از این کشور خارج شود. حالا بخش مهمی از دنیا وجود داشت که گوگل به دلیل پایبندی به مبانی آمریکا و عدم رعایت قوانین آن منطقه، حکمرانی خود را در آن دست داده بود. کم کم سرویس چینی Baidu به طور کامل جای گوگل را گرفت و WeChat نیز جایگزین فیس‌بوک شد. البته این اولین بار نبود که یک سرویس آمریکایی در کشوری محدود می‌شد. قبلاً فیس‌بوک به دلیل عدم رعایت قوانین منطقه‌ای، در موارد متعددی در برخی از کشورهای دنیا مانند ایران، با محدودیت‌هایی مواجه شده بود.

در همین زمان، قدرت گرفتن شرکت‌های بزرگ آمریکایی در اروپا نگرانی مسئولان این کشورها را نیز برانگیخت. سوءاستفاده و برداشته اطلاعات مردم توسط سکوها (پلتفرم‌ها) این شرکت‌ها باعث شد اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸ قانون GDPR (مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا) را برای حفاظت از داده‌های خود تصویب کند تا شاید بتواند این شرکت‌ها را ملزم کند تا اطلاعات مردم اروپا را در همین کشورها نگهداری کنند.

علاوه بر این، درآمد بالای شرکت‌های فناوری آمریکایی از اروپا، با واکنش شدید اتحادیه اروپا مواجه شد و طرح اخذ مالیات بر خدمات دیجیتال موسوم به «GAFAs» (مخفف گوگل، اپل، فیس‌بوک و آمازون) با ابتکار عمل فرانسه و تصمیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا روی میز مذاکرات اروپا و آمریکا قرار گرفت.



سال ۲۰۱۹ فرانسه در مجمع ملی خود، دریافت جدی‌تر مالیات از این شرکت‌ها را تصویب کرد که با واکنش شدید رئیس‌جمهور آمریکا مواجه شد و این کشور را به مقابله به مثل تهدید کرد. مذاکرات اروپایی‌ها با آمریکا ادامه یافت تا اینکه آمریکا سال ۲۰۲۰ اعلام کرد از این مذاکرات خارج می‌شود. سرانجام، وزیر دارایی فرانسه در داووس به طور رسمی اعلام کرد که کشورش اخذ مالیات از غول‌های دیجیتال آمریکا را فعلاً در قبال توقف افزایش تعرفه واردات کالاهای فرانسوی به آمریکا متوقف خواهد کرد. تحمل تهدیدات امنیتی و اقتصادی این پلتفرم‌ها گرچه برای اروپایی‌ها سخت بود اما این کشورها توان رویارویی با آمریکا را نیز نداشتند.

طی یک دهه گذشته تقابل کشورهای مختلف با پلتفرم‌های آمریکایی به همین‌جا محدود نشد بلکه این سکه، روی دیگری نیز داشت. آمریکا به دلیل وضع تحریم‌های اقتصادی، باعث محدود شدن سرویس‌های خود در کشورهای مختلف دنیا شد. تحریم‌های اقتصادی، دسترسی مردم ایران به سامانه‌های پرداخت و فروشگاه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آمریکایی را محدود کرد. در نتیجه، پس از توسعه سیستم پرداخت برخط ایرانی شاپرک، از سال ۲۰۱۲، بازی‌های موبایلی، اپ‌استورها، اپلیکیشن‌های خدماتی و فروشگاه‌های ایرانی رشد زیادی پیدا کردند و لذا آمازون، اوبر و ... جایی در بازار ایران پیدا نکردند.

در اتفاقی مشابه در سال ۲۰۱۴ به دلیل برخی از تحریم‌های غربی، روسیه نیز سیستم پرداخت برخط خود را راه‌اندازی کرد. از این زمان به تدریج سیستم‌های پرداخت مانند MIR جایگزین ویزا و مستر کارت شد. تحریم‌هایی که کشورهای غربی از سال ۲۰۲۲ بر روسیه وضع کردند این موضوع را تشدید کرد. شرکت‌های بزرگ آمریکایی مانند مایکروسافت، اپل و ... فعالیت خود را در روسیه کاهش داده یا متوقف کردند و برخی از شرکت‌های ناشر بازی‌های رایانه‌ای این کشور را ترک کردند. این اتفاقات در روسیه باعث شد، کم کم پلتفرم‌های جدید روسی فعالیت خود را آغاز کنند. به عنوان مثال شرکت بزرگ روسی VK که قبلاً پیام‌رسان روسی را به جای فیس‌بوک در این کشور رواج داده بود، فروشگاه نرم‌افزاری RuStore را معرفی کرد تا جایگزینی برای گوگل پلی باشد.

این اتفاقات دو لبه یک قیچی بود که حاکمیت شرکت‌های بزرگ فناوری مجازی آمریکا را با چالش مواجه کرد. طی ماه‌های گذشته اتفاق جدیدی نیز رخ داد که وضعیت فضای مجازی در جهان چندقطبی را پیچیده‌تر کرد. رشد عجیب شبکه اجتماعی



## قانون حجاب و مناقشه‌ترجیحات شخصی و قواعد عمومی

سیناکلهر

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تداوم چالش حجاب در جامعه ناشی از عمیق‌تر شدن تعارض بنیادی‌تری است که در نتیجه تحولات جامعه ایران و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور (الگوی توسعه) رخ داده و یک سبک و نوع آن تعارض در طول سالیان گذشته تقویت شده است.

دامنه تأثیرات این تعارض بنیادی صرفاً به حجاب محدود نبوده و تقریباً همه قلمرو و زندگی اجتماعی ایرانیان را در بر گرفته است. از اختلاط و ارتباط با جنس مخالف خارج از الگوهای پذیرفته شده عرفی و شرعی تا نگهداری حیوانات خانگی و گرداندن آنها در محیط‌های عمومی و برگزاری جشن‌های مختلط. حجاب و به طور کلی پوشش البته داغ‌ترین و جنجالی‌ترین آنها بوده است.

در همه این پدیده‌ها، مسأله واحد و مشترکی وجود دارد و آن تعارض ترجیحات و تمایلات شخصی افراد با قواعد و هنجارهای عمومی است. مطابق نظم سنتی، ترجیحات شخصی اگر مغایر با قواعد عمومی باشد صرفاً در حفا و در حریم خصوصی و شخصی (بیرون از ملاء عام و دید دیگران) امکان وقوع دارد و بیرون از این محدوده باید مجازات شود.

در نگاه دینی ارتکاب این رفتارها در حریم شخصی نیز البته گناه محسوب شده و پذیرفته نیست اما حکومت وظیفه‌ای نسبت به برخورد با آن ندارد اگر چه در واقعیت همواره مداخله در این حیطه‌ها نیز وجود داشته است اما این موارد سلیقه حکومتی بوده تا دیدگاه شرعی.

منظور این‌که در نظم سنتی افراد تفکیک حریم خصوصی و عمومی را پذیرفته و خود نیز نسبت به رعایت آن آمادگی ذهنی دارند و نسبت به عدم رعایت آن بی‌تفاوت نبودند. آنچه در جریان سال‌های گذشته و در نتیجه الگوی توسعه کشور رخ داده است قدرتمند شدن دایره ترجیحات شخصی در نسبت با قواعد عمومی است.

مقصود این نیست که تفکیک خصوصی و عمومی در جامعه از بین رفته است بلکه منظور این است که اولاً شدت و حساسیت عمومی و خصوصی کاهش پیدا کرده و دیگر آن حساسیت، شجاعت و ملامت‌گری که در گذشته در جامعه نسبت به رفتارهای حریم خصوصی که علنی انجام می‌شد وجود داشت کمتر شده است. بی‌تفاوتی فراگیر شده است. مثلاً استفاده از الفاظ رکیک از سوی زنان در ملاء عام در گذشته تقریباً تابو بود اما امروزه جامعه همراهی و تساهل بیشتری نشان می‌دهد یا تجلی بیشتر ابراز رفتار عاطفی در محیط‌های عمومی به خصوصی در ارتباط با جنس مخالف نمونه دیگری از این موارد است.

ثانیاً دایره حفا و حریم خصوصی گسترش پیدا کرده و بخش‌هایی که در گذشته ملاء عام محسوب می‌شد، به دایره حریم خصوصی اضافه شده و در نتیجه افراد مدعی حق انتخاب و ترجیح شخصی در آن محیط‌ها شده‌اند، خودرو البته مثال معروفی برای این حوزه از جهت مکانی است اما علاوه بر آن همه فضاهای غیررسمی و غیراداری نیز تحت تأثیر این دست‌اندازی فضای خصوصی به حریم عمومی قرار گرفته است.

ثالثاً افول نقش هویتی قواعد عمومی و قدرتمند شدن ترجیحات شخصی است. در نظم سنتی هر سوزهای بهتر و دقیق‌تر از دیگران قواعد عمومی را رعایت می‌کرد به لحاظ اجتماعی پاداش دریافت می‌کرد و به عنوان فرد متمشخص شناخته می‌شد و اعتبار حاکمیتی پیدا می‌کرد. به دلایل مختلفی، این الگو قدرت سابق را ندارد و هزینه سنگین و سخت روانی و عاطفی تطبیق با قواعد عمومی با دستاوردها و مزایای آن همخوانی ندارد برعکس ترجیحات شخصی به دلیل قدرت تمایزبخشی و تشخیص‌آفرینی تبدیل به منبع مهمی از تشکیل هویت افراد و در نتیجه آن منبع قدرت اجتماعی افراد است. در چنین شرایطی به لحاظ اجتماعی نیز انگیزه و پاداش کافی برای رعایت قواعد عمومی وجود ندارد.

زمانه، زمانه دست‌اندازی، پیشروی و تحدی حریم خصوصی در مقابل حریم عمومی و غلبه آن در مناقشات مختلف و تبدیل شدن آن به منطبق حاکم بر ذهنیت سوزده است، جایی که جمع و دیگری اهمیت و قدرت خود را از دست داده و آن چه مهم می‌شود ترجیح شخصی فرد سوزده است. فردگرایی برنده میدان رقابت بوده است. «دوست دارم»، «دل‌می‌خواهد» و «علاقه دارم»، تنها منطق معنبری است که حدود آن را هم نه نظر و یا علاقه دیگران، بلکه علاقت دیگر شخصی تعیین می‌کند.

این تحول از الگوی هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد به الگوی هیچ آداب و ترتیبی محو هر چه می‌خواهد دل‌تنگت بگو، جامعه را با معضل بنیادی مواجه کرده که چگونه از هویت جمعی در قبال دست‌اندازی ترجیحات شخصی دفاع کند و باقی بماند.

به ظاهر قانون مهم‌ترین ابزار دفاع از قواعد عمومی است اما در حقیقت پذیرش ذهنی و قلبی افراد نسبت به تفاوت حریم خصوصی و عمومی و مرزها و حدود هر یک که در فرایند تربیت شکل می‌گیرد زیرساخت اجرای قانون است و در فقدان آن تنها اراده آهنین با هزینه سنگین می‌تواند پیش‌برنده کار باشد که در صورت تداوم به شکل بلندمدت ممکن است اثرگذار باشد.

در مسأله حجاب هم بیش از هر چیزی نمود و حضور حریم خصوصی در قلمرو عمومی و توسعه معنایی و فضایی آن دیده می‌شود.

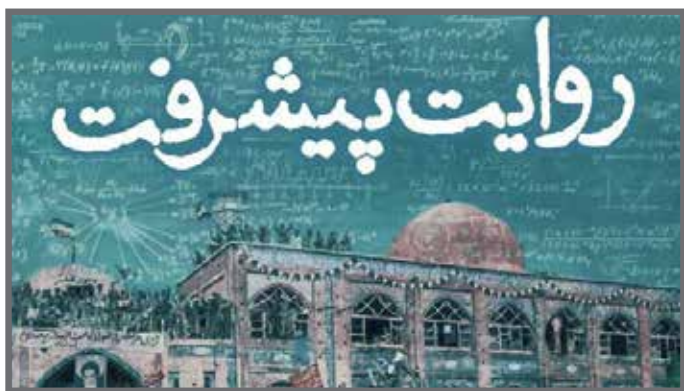
چینی تیک‌تاک در خاک آمریکا، باعث شد ابتدای سال ۲۰۲۴ کنگره آمریکا به ممنوعیت و اخراج تیک‌تاک از این کشور در صورت عدم واگذاری و فروش آن، رأی مثبت دهد. پس از آن، بایدن نیز به سرعت، قانون فیلتر شدن تیک‌تاک را امضا کرد. کمتر از ۱۵ سال پس از اخراج گوگل آمریکایی از چین، حالا اوضاع برعکس شده است و پلتفرم چینی توانسته حکمرانی آمریکا درون خاک کشورش را به خطر بیندازد.

اکنون در حالی وارد سال ۲۰۲۵ می‌شویم که ۵ شرکت بزرگ فناوری دیجیتال آمریکا دوران افول خود را از نظر جایگاه برتر جهانی در زمینه سرویس و خدمت طی می‌کنند. مدعیان جدیدی در دنیا سر برآورده‌اند و پلتفرم‌های محلی توانسته‌اند سهم مهمی از بازار کشور خودشان را به دست بیاورند. در این وضعیت، ایران در زمینه خدمات فضای مجازی، در این رقابت جدید چندان عقب نیست. در دنیا، پلتفرم‌های بالای ۲۰ میلیون نصب، قدرت برتر محلی حساب می‌شوند و به عنوان کسب و کاری که قابلیت منطقه‌ای شدن دارند مورد توجه قرار می‌گیرند. در ایران، ده‌ها بازی، شبکه اجتماعی و فروشگاه بالای ۲۰ میلیون مخاطب وجود داشته و ۵ پلتفرم توانسته‌اند بالای ۵۰ میلیون نصب را در اختیار بگیرند. زمان آن فرا رسیده که با طراحی مدل همکاری با کشورهای همسو و نیز حمایت از برنامه توسعه شرکت‌های فناوری ایرانی، ایران را به قدرت برتر منطقه‌ای در حوزه خدمات فضای مجازی تبدیل کنیم و غول‌های فناوری ایرانی را معرفی کنیم. همکاری جدی با اپ‌استورها محلی در کشورهای دیگر و انتشار بازی‌ها و نرم‌افزارهای ایرانی در آن‌ها، توسعه خدمات پلتفرم‌های ایرانی به کشورهای همسایه، برگزاری رویدادهای فناوری با کشورهای عضو بریکس می‌تواند از اقدامات راهبردی در این عرصه باشد و جایگاه برتر ایران را در مناسبات آینده فضای مجازی در دنیا تثبیت کند.

## جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت؛

## خون تازه‌ای در رگ‌های روایت پیشرفت

سیدعلی میری



یک رویارویی مستقیم با اسرائیل قرار گرفته که نماد از خود بیگانگی و راحت طلبی در منطقه است و از طرفی چشم همگان به مسیر و نظمی است که ما در ایران و در نسبت با آینده پیش می‌آوریم که دیگر نه فقط سیاسی یا نظامی، بلکه از لحاظ فکری، علمی و فرهنگی برجسته و آینده دار است و می‌تواند چیزی فراتر از سودهای آمریکایی شدن و مصرف کردن باشد و حضوری اصیل از جنس سبک زندگی دانش بنیان و حیات شرافتمندانه و اصیل را پیش روی دانشمندان، متفکران و مردمان ما قرار دهد. این چشم انداز همت و عزمی فراتر از امروز در هنر و روایت پیشرفت می‌طلبد.

روایت پیشرفت در این موقعیت چگونه باید باشد؟ منافقانه است که سوالی از همت بررسی و بدون تامل و هم فکری و گفت و گو با جوابی آماده خود را از آن سوال راحت کنی و پای سوال خودت نایستی. پس در اولین قدم تلاش می‌کنیم تا این سوال و سوال‌های دیگری از جنس "روایت پیشرفت در نسبت با آینده و پیشینه‌ی ما در روایت و انسان انقلاب اسلامی چه وضعی دارد و چگونه می‌تواند و باید در نسبت با حرکت جمهوری اسلامی ایران به سمت آینده، یک نرم افزار ضروری و عزم آفرین باشد؟" را با شما و اهالی فکر و هنر کشور مطرح کنیم و مسیری از تفکر در راه روایت پیشرفت بگشاییم.

این پرسش‌ها اگر درست مطرح شوند، مقدمه‌ای برای دوباره اندیشیدن و به یاری خدا رونق بیش از پیش روایت پیشرفت خواهند شد. در این راستا، دبیرخانه دائمی جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت با هدف گسترش دامنه و امید به ظهور قله‌های جدید در روایت پیشرفت، جایزه‌ی امسال را به گونه‌ای خاص طراحی نموده است؛ ابتدا نیاز بود تا مختصات فعلی کشور و نرم‌افزاری برای بازخوانی روایت، پیشرفت و روایت پیشرفت طراحی شود. به همین منظور

دومین دوره‌ی جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت، امسال فرصتی دارد تا با تمهید یک دبیرخانه‌ی دائمی، مسئله‌ی روایت پیشرفت در ایران را بر عهده بگیرد. این جایزه پنهان ایست تا دوباره به پیشرفت و روایت پیشرفت فکر کنیم.

اما سرآغاز این دبیرخانه و جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت، نمی‌تواند جز با بیان، رصد مسئله و یک آسیب شناسی از وضعیت روایت پیشرفت اتفاق بیافتد؛

گاهی در نسبت با یک پدیده، موقعیتی پیش می‌آید که آن پدیده از مرتبه‌ای عبور کرده است و اگر زایش و ظهور جدیدی نداشته باشد، کم کم پژمرده می‌شود.

حرف صریح و بیانی‌ه‌ی اصلی ما در میدان روایت پیشرفت همین است. گویی فهمی از روایت پیشرفت وجود داشت که به میدان آمده، اثرگذار بود و دستاوردهایی داشت ولی امروز دیگر در وسعت و گستردگی زندگی و مسائل انسان ایرانی نیست و اگر از این فهم عبور نکنند و به زایش جدیدی متوسل نشوند، محو خواهد شد.

این ایده این بود: "روایت پیشرفت یعنی بیان روشمند و جذاب دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در راستای امیدآفرینی عمومی".

نه این که این فهم غلط بود بلکه این فهم وسعتی داشت و امروز باید وسعتی بیشتر در نسبت با مردم پیدا کند و این کار جز با فکر کردن به گفتمان، بازخوانی روایت پیشرفت و حرکت پیشرفت ایران امکانپذیر نیست.

رهبر انقلاب به معنای واقعی کلمه، پیشرفت را در راه بودن و پیشروی کردن در نسبت با آینده ترسیم کرده اند. شاید ایستایی و سکون هیچ کجا صفت خوبی نباشد ولی قطعاً برای خود روایت پیشرفت صفت پسندیده‌ای نیست. روایت پیشرفت به شرطی می‌تواند زنده بماند و ببالد که توان بازخوانی و فکر کردن به خود و زمانه را داشته باشد و اگر فاقد این فهم باشد، محکوم به محو شدن است. همانطور که باقی پدیده‌های این عالم بدون پیشرفت کم‌رنگ و ناپدید می‌شوند.

هرچند که فاصله‌ای بسیار تا موقعیت جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت باقی مانده، اما ایستگاه اول این مسیر همین نقطه‌ای است که در او ایستاده ایم. ایران و گستره‌ی تمدنی او، امروز در

پیش رویداد "فتح روایت" متولد شد و از قضا واحد همه‌ی ابزارهای دبیرخانه، از جمله نشست‌ها، روزنامه چاپک و نقدنامه نیز است و امکان سرآغاز دبیرخانه‌ی دائمی را در همه‌ی ابعاد آن فراهم نموده.

پس از این پیش رویداد، تلاش خواهد شد تا موازی با تولید نقدنامه و میزگرد‌های نقدوبازخوانی روایت‌های الگوی در روایت پیشرفت، تعامل و شبکه‌سازی با فعالان روایت پیشرفت و همچنین کسانی که بالقوه می‌توانند به به جریان روایت پیشرفت اضافه شوند، پیگیری شود و حتی از نیروهای جوان و آثار جدید با گزندهای دبیرخانه دائمی و هم‌رسانی درست، حمایت شود.

در نهایت جایزه‌ی ملی روایت پیشرفت امسال استثنائاً اوایل اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ برقرار خواهد بود و پس از جایزه‌ی امسال، دوباره به بهمن ماه برخواهد گشت.

اولین قدم از این مسیر، اولین شماره از روزنامه‌ی هم‌عزم است که در آن با مقالات و گفت‌وگو‌ی پیاده شده، مقدمه‌ای برای ورود به نشست‌های پیش رویداد "فتح روایت" تدارک شود و شروعی برای سنجش نسبت‌ها و تمایزهای روایت مقاومت با روایت پیشرفت باشد.

برای جزئیات بیشتر، جلسات و فراخوان جایزه‌ی ملی، ما را دنبال کنید و منتظر خبرهای بعدی باشید.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



## دولت و سازمان سینمایی به سینمای اجتماعی بهادند

کارشناس و منتقد سینما پرمخاطب‌ترین فیلم‌ها در دهه شصت، هفتاد و هشتاد را به ترتیب فیلم‌های کودک و نوجوان، دفاع مقدس و اجتماعی عنوان کرد و گفت: امیدواریم دولت چهاردهم در سیاست‌گذاری‌های خود و سازمان سینمایی جدید به سمت‌وسوی سینمای اجتماعی حرکت کنند.

## ۱۰ هنر ایرانی که بر اثر شتابزدگی منسوخ شدند

این خاصیت وجودی صنایع دستی هر سرزمین است؛ حفظ ماهیت فکری و هنری مردمی که قرن‌ها در کنار هم با زیست‌بومی مشترک، رنج و شادی را تجربه و رشد کرده‌اند. در واقع صنایع دستی، گذشته از معنای عام تحت‌اللفظی خود، گروهی از لوازم دست‌ساخته‌ای هستند که به هویت‌های تاریخی، فرهنگی و هنری یک جامعه وابسته‌اند.

### هنگام رفاه و تنگدستی اتفاق کن

و خشنوت را فرو بر، و گذشت کن...  
که از نشانه‌های نیکوکاران است.

(سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)

## ایران؛ دومین تیم مسن فوتبال جهان در سال ۲۰۲۴!

Rank	Country	Points
1	PERU	30.38
2	IRAN	29.75
3	CHILE	29.53
4	KUWAIT	29.34
5	BAHRAIN	29.30
6	OMAN	29.10
7	KOREA REPUBLIC	29.05
8	COLOMBIA	29.02
9	MONTENEGRO	28.94
10	SLOVAKIA	28.92

سایت جهانی «CIES Football» که آمار و ارقام ثبت‌شده در فوتبال جهان را بررسی می‌کند، میانگین سنی تیم‌های ملی ۱۴۴ کشور جهان را در سال ۲۰۲۴ آنالیز کرد.

مطابق این بررسی، تیم ملی ایران با میانگین سنی ۲۹،۷۵ سال دومین تیم مسن سال ۲۰۲۴ جهان به‌شمار می‌رود! پرو با میانگین سنی ۳۰،۳۸ سال در این رده‌بندی صدرنشین است و تیم‌های ملی شیلی و کویت، در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند.

## آرسنال و چلسی در انتظار لغزش لیورپول

مترجم شیوانوروزی



بعد از رفتن مائوریسیو پوچتینو، انزو مارسکا به خوبی از پس هدایت چلسی برآمده است. به گفته مرسون باید به مارسکا بابت این نتایج تبریک گفت: «به نظر من چلسی باید همین‌طور به مسیرش ادامه بدهد. تیم جوان است و نگاه‌های زیادی متوجه چلسی است. منتها آن‌ها مقابل تیمی پیروز شدند که نصف مسابقه را ۱۰ نفره بازی کرد، به همین خاطر است که مارسکا هنوز چلسی را مدعی قهرمانی نمی‌داند. من هم همین عقیده را دارم. چلسی با سیتی، لیورپول و آرسنال بازی کرده و هیچ‌کدام از آنها را نتوانسته شکست دهد. معتقدم اگر چلسی امسال جزو چهار تیم اول جزیره باشد و یک جام به دست بیاورد، می‌تواند قهرمانی لیگ کنفرانس اروپا را هم به دست آورد و اینگونه فصلی رؤیایی را پشت‌سر بگذارد. به مارسکا اعتقاد دارم و مطمئنم او می‌تواند با چلسی بدرخشد.»

آرسنال و چلسی با پیروزی‌هایی که به دست آورده‌اند دوباره به جمع مدعیان لیگ برتر بازگشته‌اند. توپچی‌ها هر چهار بازی متوالی خود را برده‌اند، در حالی که نیوکاسل توانست لیورپول را با تساوی ۳-۳ متوقف کند. چلسی نیز با برد پرگل مقابل ساوتهمپتون به رده دوم جدول رسید تا هر دو تیم لندنی پشت سر لیورپول، مترصد کنار زدن این تیم از صدر جدول باشند. پل مرسون، بازیکن سابق آرسنال و کارشناس حال حاضر فوتبال انگلیس معتقد است تیم سابقش می‌تواند با امیدواری بیشتری در جزیره به کارش ادامه دهد: «آرسنال باید مراقب حفظ سلامتی بازیکنانش باشد تا مصدوم جدیدی به لیست قبلی اضافه نشود. این تیم در صورت حفظ آمادگی فعلی می‌تواند پیروزی‌هایش برابر من یونایتد و وست‌هم را در آینده تکرار کند. در چنین شرایطی ثبت شش یا هفت پیروزی پی‌درپی دور از انتظار نخواهد بود. تازه مارتین اودگارد، کاپیتان تیم در این بازی حضور نداشت و بازگشت او به ترکیب کمک بزرگی به تیم میکل آرتتا می‌کند.» شروع پرقدرت چلسی در ابتدای فصل، هوادارانش را به قهرمانی امیدوار کرده بود، اما این تیم نتوانست روند خوبش را حفظ کند. با این حال بار دیگر تیم مارسکا به کورس برگشته و با زدن پنج گل به ساوتهمپتون برای لیورپول خط و نشان کشیده است. آبی‌پوشان تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا امتیازهای از دست رفته را جبران کنند و منتظر لغزش حریف باشند.

## قطر قرار است میزبانی بخش بانوان را برعهده بگیرد



- احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان: کارشناسان باید بگویند که حضور کشتی‌گیران خارجی در لیگ به کشتی ما کمک کرده یانه.
- مسابقات جهانی آقایان را می‌خواهیم در ایران برگزار کنیم؛
- قطر قرار است میزبانی بخش بانوان را برعهده بگیرد.

## راه درست ورزش زورخانه‌ای از ایران می‌گذرد

فریدون حسن



که هیچ‌سختی با مرام و مسلک ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی ایران نداشته باشد. یادمان باشد که راه درست توسعه ورزش زورخانه‌ای از ایران و زورخانه‌های آن می‌گذرد و مسیر دیگری جز این وجود ندارد حالا هر دولتی می‌خواهد سرکار باشد.

به ثبت‌نام متقاضیان بدون شرکت در دوره‌های مربوط به فدراسیون ایران کرده است. همین مسئله واکنش فدراسیون کشورمان را در پی داشت، اما ناگفته نپایست که این تازه شروع ماجرای است که به نظر می‌رسد فدراسیون جهانی ورزش زورخانه‌ای با حمایت وزارت ورزش در حال شکل دادن آن است. آنچه از ابتدای حضور احمد دنیامالی در وزارت ورزش مشخص شده، حضور پررنگ محسن مهرعلی‌زاده در مجامع مختلف برخلاف چند سال گذشته است. حضوری که البته بیشتر آنها با دعوت فدراسیون ملی ورزش زورخانه‌ای انجام شده، اما ظاهراً رئیس فدراسیون جهانی از همین فرصت به دست آمده و البته رابطه نزدیکش با وزیر ورزش نهایت استفاده را برده است و می‌خواهد دوباره عنان کار را به دست بگیرد.

در اینکه ورزش زورخانه‌ای به عنوان ورزش سنتی و پهلوانی ایران باید به جهان معرفی شود هیچ شکی نیست، اما این حقیقت را هم نباید نادیده گرفت که اقدامات قبلی فدراسیون جهانی در این خصوص چندان جالب نبوده و اگر قرار باشد دوباره همان طرز تفکر ادامه پیدا کند، آن وقت باید شاهد اتفاقاتی به مراتب تلخ‌تر از آنچه که طی سال‌های قبل در ترکیه و آذربایجان شاهدش بودیم، باشیم.

ایران به عنوان مهد ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی باید فدراسیونی قوی داشته باشد که دارد و فدراسیون جهانی هم باید تابع فدراسیون ایران به عنوان کشور صاحب این رشته باشد و برنامه‌های خود را در راستای اعتلای این رشته با فدراسیون ایران هماهنگ کند، نه اینکه خودسرانه چیزی را به عنوان این ورزش در جهان ترویج کند.

به نظر می‌رسد اختلافات کهنه و قدیمی فدراسیون ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی با فدراسیون جهانی این رشته دوباره سر باز کرده است.

فدراسیون جهانی ورزش زورخانه‌ای با ریاست محسن مهرعلی‌زاده طی تمام سال‌های فعالیت خود سعی در این داشت تا رشته سنتی ایران را که آمیخته با اعتقادات مذهبی کشورمان است در دنیا توسعه دهد، اما نتیجه این اقدامات نه‌تنها چندان مثمرتر نبود که حتی بعضاً شاهد آن بودیم که ورزش سنتی ایران با شکلی سخیف و دور از آداب و رسوم واقعی این ورزش در دنیا به اجرا درآمد، موضوعی که حتی با انتقادهای تند پیشکسوتان و پهلوانان ایران‌زمین همراه بود.

ثمره این حرکت انزوای فدراسیون جهانی طی چند سال گذشته و برنامه‌ریزی درست فدراسیون ایران برای معرفی ورزش پهلوانی کشور و برگزاری مسابقات بین‌المللی با شرایط درست بود. موضوعی که باعث شد تا دو فدراسیون ملی و بین‌المللی این رشته بیشتر و بهتر به هم نزدیک شوند و کار معرفی و گسترش ورزش زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی در سطح جهان را پیش ببرند.

اوضاع خوب پیش می‌رفت، اما یک تغییر ناگهانی ظاهراً همه چیز را به هم زده است. تغییر دولت و متعاقب آن تغییر وزیر ورزش ظاهراً مسئولان فدراسیون جهانی را به تکاپوی دوباره انداخته تا باز هم عنان کار را در دست بگیرند و هر کاری را که دلشان می‌خواهد انجام دهند. موضوع در حال حاضر با اختلاف دو فدراسیون در برگزاری دوره‌های مربیگری آغاز شده، جایی که فدراسیون جهانی برخلاف قوانین موجود اقدام